

## افول تمثال پادشاهی در ایران

### انقلاب اسلامی در چشم‌انداز نثریات خارجی

گروه پژوهش بنیاد تاریخ پژوهی ایران معاصر

هر چه از زمان وقوع انقلاب اسلامی دور می‌شویم تبیین آن پیچیدگی‌های بیشتری پیدا می‌کند، زیرا در بررسی انقلاب، در نقطه‌ای باز ایستاده‌ایم که انقلاب به بخش قابل توجهی از نیت و مقاصد و اهداف رسیده و نظام اجتماعی نوینی به بار آورده است. اما این سؤال همیشه مطرح است که سرشت نظام جدید چه تفاوت‌هایی با نظام گذشته دارد؟ همانندی و تفاوت نظام پیشین و نظام جدید در کجاست؟ در واژگونی گسترده نظام پیشین چه چیزی از دست رفت و چه چیزی به دست آمد؟ آیا آرمان‌های رهبران انقلاب اسلامی و مردم در دوران واژگونی نظام پیشین، تحقق پیدا کرده است؟ اینها سؤال‌هایی است که پاسخ به آنها نیاز به بازکاوی آرمان‌های انقلاب اسلامی دارد. اما بازکاوی آرمان‌هایی که در حدود دو دهه گذشته پیوسته بر زبان مردم جاری بود، در این زمان چگونه امکان‌پذیر است؟ این واقعیت را نمی‌توان بیهوده انکار کرد که در بازکاوی آرمان‌های گذشته احساسات امروزمین ما بی‌تأثیر نیست. کدام ایرانی مسلمان است که بتواند درباره کشورش، آرمان‌های خود و جامعه‌اش و از همه مهم‌تر عصری که در آن زندگی می‌کند، با بی‌طرفی محض بیندیشد و بنویسد؟ از همین روی باید اعتراف

کرد که در هنگام بررسی جنبه‌های گوناگون نظام اجتماعی پیشین و آرمان‌های دوران انقلاب هرگز از تأثیر ایران امروز بر کنار نیستیم و نخواهیم بود.

اکنون در میان موافقان و مخالفان انقلاب اسلامی کسانی هستند که افکار، اندیشه‌ها، آرمان‌ها، بینش‌ها و گرایش‌های آنها نسبت به دوران انقلاب به کلی دگرگون گشته است. کسانی بودند که در گذشته شور انقلابی آنها به گونه‌ای بود که هیچ‌گاه کمترین تعللی را در تفسیر اسلامی آرمان‌های انقلاب بر نمی‌تابیدند، ولی امروز دیگر از آن شور و هیجان خبری نیست. از آن طرف هستند کسانی که شاید در آن دوران چشم‌انداز مثبتی نسبت به دگرگونی‌های ایران نداشتند ولی هنگامی که با دگرگونی‌های چشمگیر عمر نسبتاً کوتاه جمهوری اسلامی روبه‌رو شدند نسبت به آن با انصاف بیشتر و داوری‌های عقلایی‌تر برخورد می‌کنند.

یکی از راه‌های بازکاوی آرمان‌های انقلاب اسلامی بازخوانی نوشته‌های آن دوران است. نوشته‌های این دوران به هر دلیل از احساسات امروزمین خالی است و با اصالت بیشتری به دگرگونی‌های انقلاب اسلامی نظر دارد؛ دگرگونی‌هایی که نمایانگر اراده مطلق جمعی مردم ایران در نفی رژیم کهنه و پوسیده مشروطه سلطنتی، طرد نظریه‌های سیاسی و اجتماعی غرب و پایه‌ریزی نظام جدیدی مبتنی بر باورها و ارزش‌های نهادینه شده جامعه بود، نظامی که آرمان‌های خود را در اعتقادات اسلامی جستجو می‌کرد.

اگر ادعا کنیم که انقلاب اسلامی از جنبه نظری موجب تحقق حقیقت اجتماعی دین در ایران گردید، ممکن است عده‌ای ما را متهم کنند که در تبیین انقلاب به تاریخ‌نگاری ایدئولوژیک گرفتار شده‌ایم. این اتهام در ایران معمولاً از ناحیه کسانی وارد می‌شود که عموماً نگاه آنها به دگرگونی‌های اجتماعی تحت تأثیر قرائت‌های رسمی تفکر اروپایی و جوامع مسیحی است. مسیحیان در ظاهر سال‌هاست که دین را از ساحت زندگی اجتماعی خود خارج کرده‌اند و دین کارکرد اجتماعی خود را در غرب از دست داده است. اگر چه این اعتقاد صرفاً در حوزه نظر می‌تواند به عنوان یکی از دیدگاه‌ها مورد تحلیل قرار گیرد اما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم متونی که زبان و ادبیات آنها زبان و ادبیات تفکر غربی است به این حقیقت اعتراف کنند که انقلاب اسلامی بار دیگر نگاه دینی به حوزه تحولات اجتماعی را در جهان زنده کرد.

با این همه، هیچ دلیل عقلی در دست نداریم که بپذیریم، نپرداختن چنین زبان و ادبیاتی در انقلاب اسلامی به منزله نفی اسلامی و دینی بودن انقلاب است. اگر چه ممکن است عده‌ای از چشم‌انداز همان زبان و ادبیات غربی تصور کنند که مسأله اساسی انقلاب عظیم مردم ایران در نفی نظام شاهنشاهی،

مسأله تجدد و ترقی بود. اما می‌توان گفت که در انقلاب اسلامی قبل از آنکه مسأله تجدد و ترقی به تعبیر غربی آن مطرح باشد آرایش شکلی و محتوایی آن مهم‌تر بود. مثلاً در درک مفهوم تجدد بخش اعظمی از متفکران که تحت نفوذ زبان و ادبیات غربی هستند، معتقد بودند که ما باید تقلید کنیم و اصولاً راهی جز تقلید برای ما وجود ندارد. به عبارت دیگر در باب مسأله دگرگونی سهل الوصول‌ترین راه را تقلید می‌دیدند. امام خمینی و پیروان انقلاب اسلامی به کلی چنین نظریاتی را مخدوش می‌دانستند. امام هم از جنبه فکری و فلسفی، هم از جنبه دینی و هم از جنبه تجربه تاریخی بر چنین نظریاتی اشکالات جدی وارد می‌کنند.

یا ممکن است عده‌ای معتقد باشند که در انقلاب اسلامی دینمداری اصل شد و ملیت در حاشیه قرار گرفت. اما از آن طرف به آنها پاسخ داده می‌شود آنچه در انقلاب اسلامی ایران در حاشیه قرار گرفت ناسیونالیسم بود. ناسیونالیسم ایدئولوژی نژادگرایانه‌ای بود که در رژیم پیشین مقابل هویت و ملیت ایرانی قرار گرفت. دین در رژیم پیشین در مقابل این پدیده قرار گرفت و در انقلاب اسلامی، ملیت به مفهوم ناسیونالیسم پهلوی نفی شد. همان طوری که در انقلاب اسلامی، اسلام در مقابل غرب‌گرایی قرار گرفت نه دانش غربی، غرب‌گرایی همیشه دانش غربی را در ایران در حاشیه قرار داد و در حقیقت انقلاب اسلامی آمد که این سیطره را به هم ریزد.

اوریان‌فالاچی در مصاحبه‌ای از امام سؤال می‌کند که آیا انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی موجب سلطه فاشیسم در ایران نمی‌شود؟

امام مقتدرانه جواب می‌دهد:

فاشیسم در غرب نزد شما تحقق می‌یابد نه در بین مردمی با فرهنگ اسلامی<sup>۱</sup>... ما از علم و تکنولوژی شما نمی‌ترسیم. ما از ایده‌ها و رسوم شما می‌ترسیم، این به این معنی است که ما از نظر سیاسی و اجتماعی از شما می‌ترسیم، ما می‌خواهیم که مملکت مال خودمان باشد.<sup>۲</sup>

چرا امام می‌گوید ما از نظر سیاسی و اجتماعی از غرب می‌ترسیم؟ چون فاشیسم، کمونیسم، لیبرالیسم، تولید جنگ‌افزارهای کشتار جمعی، سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی، فساد اخلاقی و اجتماعی،

۱. اوریان‌فالاچی، گفتگوها، گردآوری و ترجمه غلامرضا امامی، انتشارات برگ، تهران، ۱۳۷۶، ص ۸.

۲. همان، ص ۲۲.

نابودی محیط زیست و خلاصه بسیاری از مصائبی که امروزه بشر با آن درگیر است زائیده نظام سیاسی و اجتماعی غرب است. نظامی با فرهنگ اسلامی هیچ‌گاه سراغ این چیزها نمی‌رود.

این مقدمه از آن جهت گفته شد که متوجه باشیم بازکاوی آرمان‌های انقلاب اسلامی در چشم‌انداز احساسات امروزی ایران و جهان، اگر چه می‌تواند روشی در میان روش‌های دیگر باشد اما بازکاوی اصیلی نیست. بازکاوی اصیل را تا حدودی باید در آرمان‌های دوران نفی رژیم گذشته و تأسیس نظام جدید جستجو کرد.

یکی از شیوه‌های مطالعه حقانیت آرمان‌های اسلامی در حرکت بزرگ اجتماعی مردم ایران در سال‌های ۵۶ و ۵۷، رجوع به نوشته‌های این دوران است. از میان نوشته‌های این دوران انعکاس انقلاب اسلامی در مطبوعات خارجی جلوه دیگری از ماهیت اسلامی جنبش این دوران است.

غیر ایرانیان در سراسر جهان توجه بیشتری به انقلاب اسلامی ایران از خود نشان دادند و این هم یکی از عجایب انقلابات بزرگ است. همان‌طور که انقلاب فرانسه نیز چنین بود. در این دوران، جهان احساس می‌کرد نظام نوینی در آستانه ساخته شدن است و به همان میزان نیز امیدهای جدیدی در زمینه دگرگونی و اصلاحات در حال ظهور بود. اگر چه هنوز هیچ کس با قاطعیت نمی‌توانست ادعا کند که این دگرگونی‌ها و اصلاحات به کجا منجر می‌شود اما در نوشته‌های مطبوعات خارجی در این دوران غالباً تصور می‌شود که جنس انقلاب اسلامی از جنس دگرگونی‌های غربی نیست.

آیا پدیده انقلاب اسلامی تا بدین اندازه که معاصرانش معتقدند خارق العاده است؟ سرشت واقعی این انقلاب چه بود؟ پیامدهای پایدار این انقلاب شگفت‌انگیز و هراس‌آور برای غرب چه بود؟ این انقلاب چه چیزی را به چالش کشید، چه نظامی را نابود کرد و چه چیزی آفرید؟

هنوز عده‌ای اعتقاد دارند که پاسخ به این سؤال‌ها زود است، چون ما هنوز در چشم‌انداز شور سودایی کسانی هستیم که شاهد این رویداد بودند. آنها می‌خواهند دوستداران انقلاب اسلامی را با دور کردن از احساسات بنیانگذاران انقلاب و هدف‌های آن در معرض چالش استحاله قرار دهند. چون به زودی با از بین رفتن نسل انقلابی کار بررسی انقلاب اسلامی دشوار خواهد شد. چرا؟ چون می‌گویند زمانی که انقلاب‌های بزرگ موفق شوند، علت‌های آنها دیگر ناپدید خواهند شد و همین ناپیدی علت‌ها انقلابات را فهم‌ناپذیر خواهد ساخت.

برای اینکه در معرض چالش چنین استحالتهای نباشیم می‌خواهیم بخشی از آرمان‌های انقلاب اسلامی را نه از زبان نسل انقلابی ایران، بلکه از زبان غربی‌هایی مرور کنیم که همیشه نسبت به دگرگونی‌های خارج از قرائت‌های رسمی غرب، عصبیت داشته‌اند.

مقاله‌هایی که در این بخش آورده شده انعکاس بسیار کوچکی از دریای عظیم نوشته‌هایی است که پیرامون انقلاب اسلامی بین سال‌های ۵۶ و ۵۷ در غرب نوشته شد. در گزینش این مقاله‌ها هیچ انگیزه خاصی را دنبال نمی‌کنیم. اینها مقاله‌هایی است که در آرشیو بنیاد تاریخ پژوهی ایران معاصر گردآوری شده و به نوعی با تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی نسبت دارد.

برای نسل جوان، که فضای شور انقلابی و آرمان‌های ملت ایران را در این دوران از نزدیک حس نکرده‌اند، مطالعه این نوشته‌ها خالی از لطف نیست. همان‌طوری که برای نسل اول انقلاب اسلامی که خالق آن حماسه بزرگ هستند نیز بازخوانی آرمان‌های انقلاب اسلامی در چشم‌انداز مطبوعات خارجی یادآور همدلی و هماهنگی آن دوران است.

در اغلب نوشته‌ها، هر نشریه‌ای بر اساس سیاست‌ها، سطح اطلاعات و علائق و سلیق خود، انقلاب اسلامی را منعکس کرده است. اما یک چیز در همه این نوشته‌ها مشهود است و آن حماسه بزرگی است که ملت ایران در سایه آرمان‌های اسلامی خلق کردند. اگر دنیا در مقام تحلیل انقلاب اسلامی در زمینه‌ها، علل و عوامل انقلاب اختلافات عمیقی داشته باشد در یک چیز اتفاق دارد و آن اسلامی بودن این انقلاب است.

در اینجا شایسته است از خانم سمیه صائمی که زحمت ترجمه بخشی از این مقالات را به عهده گرفتند تقدیر و تشکر شود.







## ۵۰۰ نفر به خانه خواهر شاه در بورلی هیلز یورش بردند

نویسنده: جری بیلچر  
ترجمه: سمیه صائمی

**اشاره** این مقاله در بعد از ظهر روز چهارشنبه سوم ژانویه ۱۹۷۹ جزو سرمقاله‌های روز لس آنجلس تایمز در آمریکا بوده و نویسنده خشم دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا را نسبت به خاندان سلطنت پهلوی نشان می‌دهد. پلیس آمریکا برای دفاع از پناهنده‌های سلطنت در بورلی هیلز و اعمال خشونت نسبت به تظاهرات‌کنندگان، ظاهراً تظاهرات آرام را تبدیل به یک تظاهرات خشونت‌آمیز می‌کند. این تظاهرات انعکاس بی‌سابقه‌ای در مطبوعات آمریکایی داشته است به طوری که روزنامه‌های زیادی مقالات متعددی در مورد این حادثه نوشتند. رئوس مقالات چاپ شده درباره این حادثه در آرشیو بنیاد تاریخ پژوهی ایران معاصر به شرح زیر است:

۱. سوم ژانویه ۱۹۷۹ - گزارشی تحت عنوان «۵۰۰ نفر به خانه خواهر شاه در بورلی هیلز یورش می‌برند.»

۲. چهارم ژانویه ۱۹۷۹ - مقاله‌ای تحت عنوان «مقامات رسمی خواستار اخراج دانشجویان اغتشاش‌گر ایرانی شدند».
۳. پنجم ژانویه ۱۹۷۹ - مقالاتی تحت عناوین «امریکا قول می‌دهد در مورد ایرانیان اغتشاش‌گر با شدت عمل رفتار کند»، «مادر شاه در پالم اسپرینگز»، «ایرانیان در امریکا: بازی با ارقام».
۴. ششم ژانویه ۱۹۷۹ - مقاله‌ای تحت عنوان «جای امنی برای مادر شاه» و مقاله دیگری تحت عنوان «ایرانیان در امریکا: یک گروه در حال رشد».
۵. هشتم ژانویه ۱۹۷۹ - قسمت «نامه به تایمز» ۷ آمریکایی در مورد تظاهرات دانشجویان اظهار نظر کرده‌اند.

تاریخچه

انبوه مردم خشمگین که قریب به ۵۰۰ دانشجوی ایرانی بودند بعد از ظهر سه‌شنبه به خانه مجلل شاهزاده شمس یورش بردند. تعدادی شیشه را شکستند و در آخر در چند نقطه آتش برپا کردند. خانه قبل از اینکه از بین برود توسط مأموران پلیس که از باتوم و

گاز اشک‌آور استفاده می‌کردند، محاصره شد. نهایتاً ۳۵ نفر از معترضین در مجاورت دامنه مسکونی و انحصاری طی ۴۵ دقیقه نبرد مجروح شدند. به گفته پلیس بورلی هیلز دو نفر با سوء ظن به یک پسر بچه دستگیر شدند، در حالی که اعضای نمایندگان رسمی دولت اذعان داشتند ۵ دستگیری دیگر نیز با سوء ظن به حمله با اسلحه مرگبار به یک افسر پلیس و به اتهام مداخله در کار پلیس صورت گرفته است. سه شب پلیس لس‌آنجلس تأکید کرد که مادر شاه، تاج‌الملک تحت محافظ بسیار شدید به مکانی نامعلوم





بیرون از خانه شاهزاده شمس رفته‌اند. در ضمن محل اقامت فعلی شاهزاده شمس، خواهر شاه نیز نامعلوم است. اما به نقل از یک منبع موثق در حال حاضر آنها به تنهایی در یک خانه شدیداً حفاظت شده به سر می‌برند. مادر ملکه که گفته می‌شد در سن ۹۰ سالگی است هفته گذشته به بورلی هیلز آمد تا به همراه شاهزاده شمس پناهنده شود. گزارشات حاکی از آن است که ۴ سال پیش زن جوان‌تر (شاهزاده شمس) این کاخ مدرن را به بهای ۵۵۰/۰۰۰ دلار اکتیاع کرده است.



به گفته شهرد دو اتومبیل توسط دانشجویان واژگون و به آتش کشیده شد. به نظر می‌رسد یکی از اتومبیل‌های سوخته از وسایل نقلیه اعضای دولتی است که داخل محوطه کاخ بوده و دیگری در خیابان کال ویز بوده است.

شیشه‌های بیرونی دست کم ۶ ماشین گشت مأموران پلیس شکسته شده بود. به گفته بخش اطفای حریق بورلی هیلز علفزارها و بوته‌های اطراف عمارت آتش گرفتند و شعله‌های کنار به

سرعت خاموش شد. تا آنجا که مشخص است (از قرار معلوم) عمارت در اثر آتش آسیب ندیده است. اما گزارشگران حاضر در محل حادثه اذعان داشتند که چندین پنجره خانه با چوب و سنگ و کلوخی که توسط دانشجویان متهم پرتاب شده بود از بین رفته است. اگر چه برخی از این گزارشگران بیان داشتند که صدای تیراندازی را طی نبرد و ستیز شنیده‌اند اما چند منبع پلیس هر گونه تیراندازی که منجر به آسیب شده باشد را رد کردند. به گفته جیم کلین، حداکثر دو گلوله شلیک شده که وی از هویت شلیک‌کننده آن خبری نداد. از سوی دیگر شاهدان گفتند یک نماینده زن توسط دانشجویان از اتومبیل بیرون کشیده شد. اما چند لحظه بعد توسط دیگر طرفدارانش نجات یافت.





IRANIAN STUDENTS CARRYING BUNDLES AND SHOUTING, BUT AGAINST WHOM THE REVOLUTIONARIES WERE NOT TAKING SIDES.

### Shah's last straw

IRAN TODAY is in the grip of self-proclaimed revolutionary emotions. The Shah's removal is the last straw in a chain of last straw of military rule, but it is doubtful if he is going to have the sympathy that is not that in the more the question is what political structure would be allowed to replace in Pahlavi monarchy.

As far as the Iranian people are concerned they are not so different to average people in any other country that they would not be an Islamic Republic. The Shah's removal has been an evolutionary step. The Shah's revolutionary political structure in the National Front was a step towards a more democratic society, many of whom are now practising an economic model of deficit and no previous one in the Middle East. The Shah's removal is a step towards a more democratic society. The Shah's removal is a step towards a more democratic society.

The Shah's removal has been a step towards a more democratic society. The Shah's removal is a step towards a more democratic society. The Shah's removal is a step towards a more democratic society. The Shah's removal is a step towards a more democratic society.

The Shah's removal is a step towards a more democratic society. The Shah's removal is a step towards a more democratic society. The Shah's removal is a step towards a more democratic society. The Shah's removal is a step towards a more democratic society.

### BANGLADESH: Familial syndrome

BANGLADESH'S STRONGMAN, Mr. Ziaur Rahman, who has himself served as president, with other members of the family in succession, was making comfortably good money from his business interests. Ziaur Rahman's removal is a step towards a more democratic society. The Shah's removal is a step towards a more democratic society.

The Shah's removal is a step towards a more democratic society. The Shah's removal is a step towards a more democratic society. The Shah's removal is a step towards a more democratic society. The Shah's removal is a step towards a more democratic society.

## آخرین حربہ شاہ

روزنامه ایمیکت اینترنشنال ۲۳-۱۰ نوامبر ۱۹۷۸  
ترجمہ: سمیہ صائمہ

### اشارہ

در این مقاله نویسنده ضمن انعکاس تظاهرات خودجوش مردم تهران در ماه‌های آذر و دی سال ۵۷ به این پرسش مهم پرداخته است که در صورت سقوط ساختار سیاسی رژیم مشروطه سلطنتی در ایران چه رژیمی جایگزین خواهد شد؟ آنچه در این مقاله جلب توجه می‌کند این است که انگیزه جمهوری اسلامی توسط تظاهرات‌کنندگان کاملاً عیان است و این نشان می‌دهد بر خلاف ادعای کسانی که معتقدند شعار جمهوری اسلامی بعد از پیروزی انقلاب وارد شعارها شد، این شعار از همان ابتدای تظاهرات مردم ایران در سرلوحه آرمان‌های جنبش قرار داشت. نویسنده تأکید می‌کند که در پاسخ به جایگزینی ساختار سیاسی جدید به جای ساختار پوسیده نظام شاهنشاهی، ایرانیان به وضوح اعلام کرده‌اند که خواهان جمهوری اسلامی هستند.

از نکات جالب توجه دیگر در این مقاله این است که نویسنده تردید دارد که آیا امکان دارد با توجه به سلطه قرائت‌های رسمی لیبرال - دموکراسی و کمونیسم در جهان، امریکا و شوروی به ملت ایران اجازه دهند که ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورشان را مطابق با آرمان‌هایشان (آرمان‌های مذهبی) تغییر دهند؟!

پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی در ایران و طرد ایدئولوژی‌های غربی توسط ملت ایران نشان داد که تحلیل‌گران غربی تا چه میزان در توهم اقتدار دولت‌های غربی در تعیین سرنوشت ملت‌ها غوطه‌ور بوده و اراده عمومی ملت‌ها را نادیده می‌گیرند.

نگارشی

امروز تهران شاهد تظاهرات خودجوش مردم بود. شاه در پاسخ به این تظاهرات قوانین حکومت نظامی را به کار بست. در اینکه او بتواند حکومت سلطنتی خود را حفظ کند تردید وجود دارد - بودن یا نبودنش - پرسش این است که کدام ساختار سیاسی باید جایگزین قدرت مطلقه پهلوی شود. ایرانیان به وضوح اعلام کرده‌اند که خواهان جمهوری

اسلامی هستند. درخواست مردم ایران آن

قدر سرسختانه است که حتی سیاستمداران

جناح مخالف در داخل و خارج کشور و

بسیاری از آنها که آنان را ملی‌گرا یا چپ‌گرا

می‌نامیدند جرأت پیشنهاد هیچ راه حلی را

بدون در نظر گرفتن فتوای رهبر مذهبی

ندارند. با این وجود به نظر نمی‌رسد ظهور

جمهوری اسلامی در ایران قریب الوقوع

باشد. حوادث اخیر، قدرت‌های غربی و

روسیه را وادار کرده است به ضرورت

وجود شاه از چشم‌انداز دیگری بنگرند.

14

MEMORANDUM

**Camp David divides**

**Aligarh riots**

**Drive in Assam**

**Problems in Tripura**

**Heratians against the prophets**

**Islamic studies**

**Eviction in Rajasthan**

**HALAL MEAT COMPANY**

Supplier of Halal Meat (Haram Free) to the Government of India since 1967.

All meat slaughtered under strict supervision and according to Islamic law.

Export services available.

14, 15, 16, 17, 18, 19, 20, 21, 22, 23, 24, 25, 26, 27, 28, 29, 30, 31, 32, 33, 34, 35, 36, 37, 38, 39, 40, 41, 42, 43, 44, 45, 46, 47, 48, 49, 50, 51, 52, 53, 54, 55, 56, 57, 58, 59, 60, 61, 62, 63, 64, 65, 66, 67, 68, 69, 70, 71, 72, 73, 74, 75, 76, 77, 78, 79, 80, 81, 82, 83, 84, 85, 86, 87, 88, 89, 90, 91, 92, 93, 94, 95, 96, 97, 98, 99, 100.

آنان در مقابل اسلام به عنوان یک نظام اقتصادی و سیاسی مرعوب نشدند. دکتر دیوید اون در یک مصاحبه تلویزیونی اخیر در خصوص پذیرش آن بی‌پرده سخن گفت. روزنامه تایمز نیز در همین راستا، روز دوم نوامبر اعتراض آیت‌الله خمینی را مبنی بر زدن برچسب استبدادی به جمهوری اسلامی و دفاع از این جمهوری مخابره نمود. واضح و مبرهن است مادامی که گرایش به حضور قدرت‌های غربی و روسیه مورد توجه است به ایرانیان اجازه داده نخواهد شد ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورشان را مطابق با آرمان‌هایشان (آرمان‌های مذهبی) تغییر دهند. ایرانیان در یک موقعیت آشفته یک گام پیش



رفته‌اند. ایرانیان اگر راه حلی داشته باشند که باید داشته باشند، بایستی توسط خود ایشان ارائه گردد و در صورت لزوم از توان سایر مسلمانان که با ایران ارتباط دوستانه دارند نیز استفاده شود. به جای چند تصمیم بی‌موقع و تجزیه حرکت‌ها و انحراف آنها شاه می‌تواند ابتکار عمل را به دست بگیرد و با یک تصمیم جسورانه یعنی فدا کردن سلطنت مطلقه که در این موقعیت فقط یک معجزه می‌تواند آن را نجات دهد، او قادر خواهد بود بنیاد یک ایران جدید در وضعیت کاملاً مناسب در جهان را بگذارد. شواهد بسیار ضعیفی نشان می‌دهد که او قادر به انجام این کار هست. مردم مسلمان نیز باید نیاز گرفتن یک چهره واقعی و متفاوت از گذشته، از کشمکش‌ها و نزاع‌هایشان را برآورده کنند. مخصوصاً در مفاهیم سیاسی، مذهبی ملی مرتبط با

اوضاع کنونی. در غیر این صورت از نگاه مذهب‌یون و سکولارها ایجاد جمهوری اسلامی یک جهش کوتاه است. آنها در گذشته گام‌های بلندتر و بزرگ‌تر و بسیار قهرمانانه‌ای برداشته‌اند. رفورم کنونی یک دعوت گسترده برای انواع تحمیل‌هاست تا سعی کند تمایل ایرانیان را به تغییر شرایط خنثی کند.





## جانشین جدید شاه در ایران

روزنامه کریستین ساینس مانیتور / پنجم ژانویه ۱۹۷۹  
ترجمه: سمیه صائمی

### اشاره

این مقاله که به رخدادهای اوایل ماه دی ۱۳۵۷ در ایران نظر دارد، مانند اغلب تحلیل‌گران غربی اسیر این توهم هست که تغییرات پی در پی دولت‌ها توسط آمریکا در ایران بالاخره روزنه‌ای را برای نجات نظام مطلقا وابسته به غرب فراهم خواهد ساخت. نویسنده به دلیل ناآگاهی از آرمان‌های ملت ایران باور کرده است که آمدن بختیار موفقیت بسیاری را برای بقای نظام مشروطه سلطنتی در ایران فراهم خواهد ساخت. اما حتی بختیار با شعارهای ملی‌گرایی نیز نتوانست در اراده خلل‌ناپذیر ملت برای ساقط کردن نظام پادشاهی و ایجاد جمهوری اسلامی و افول تمثال پادشاهی در ایران خدش‌های وارد سازد.

### ترجمه

دو پرسش عمده در میان هجوم حوادث دردسرساز در ایران مطرح شده است. یکی اینکه تا چه مدت اطرافیان شاه علی‌رغم نزول اساسی قدرت می‌توانند به این تخت سلطنتی

وابسته باشند. دیگر اینکه ارتش ایران چه نقشی در حکومت جانشین بازی خواهد کرد. پاسخ بسیار دور از واقع و مبهم است. تنها چیزی که در حال حاضر به جرأت می‌توان گفت این است که سلطنت مطلقه پهلوی به شکل دهه‌های گذشته به پایان رسیده و از گردباد تغییرات جامع کشور چیز جدیدی پدیدار شده است. اگر این پدیده جدید یک دولت غیر نظامی است، در انتخاب بختیار توسط شاه شبهه و تردید وجود دارد. برخی از مفسران به آقای بختیار به عنوان یک رهبر مخالف ناآگاه، فرصت موفقیت بسیاری می‌دهند. او به عنوان یک مرد سیاسی جاه‌طلب با احترام کم در حومه شهر یا حتی در اقوام مخالف پیشرو شناخته شده بود. به گمان امریکا با رفتن شاه، ثبات نیز خواهد رفت. اگر سلطنت مطلقه متوقف شود، همان‌طور که ظاهراً این چنین طراحی شده، این تردید وجود دارد که شاه بازگردد و قدرت پیشین را به دست آورد. اگر آقای بختیار دولتی را تشکیل دهد که از حمایت مردمی بی‌بهره باشد موجب بروز هرج و مرج سیاسی و به میان آمدن ارتش جهت برقراری نظم خواهد شد، لذا یک دیکتاتوری نظامی راستگرا که حتی سرکوبگرتر از دولت شاه باشد ایجاد می‌گردد. اگر بختیار تصمیم بگیرد افرادی با ویژگی‌های قابل انتظار از یک فرد نظامی را به کابینه بیاورد (همچون فریدون جم) دولت غیر نظامی مورد انتظار را بی‌حاصل خواهد کرد.

سیاست امریکا در خصوص اتحاد با ایران همچنان نامعلوم است. دولت کارتر باید محتاطانه به دولت جانشین فکر کند که چشم به میلیون‌ها ایرانی دوخته است که در ماه‌های اخیر با قدرت تمام به خیابان‌ها ریختند. مسئله برای امریکا مشکل خواهد بود که شاه را رها کند، یک دوست دیرینه و یک هم‌پیمان که برای او و کشورش خدمات زیادی انجام داده است. ولی این رابطه برای آنها بسیار گران تمام خواهد شد و ما این معما را درک می‌کنیم.





## سایه یک مبارزه پر قدرت در ایران

نشریه ایمپکت اینترنشنال دسامبر ۱۹۷۸

ترجمه: سمیه صائمی

### اشاره

در این مقاله نویسنده به عوام‌فریبی رژیم پادشاهی و تظاهر به مذهب برای فریب ملت ایران در مبارزه پر قدرت برای ساقط کردن نظام مشروطه سلطنتی اشاره می‌کند. سفر شهبانو به عتبات عالیات، تظاهر به دینداری، دیدار با تعدادی از علمای مذهبی و تلاش در ایجاد شکاف میان رهبران مذهبی از جمله مواردی است که نویسنده در این مقاله مورد توجه قرار داده است. آنچه در این مقاله جالب توجه است تأکید به استقرار جمهوری اسلامی در شعارهای مردم از یک طرف و موش و گربه‌بازی امریکا و شوروی در حفظ رژیم شاه در ایران از طرف دیگر می‌باشد.

### ترجمه

اعتصاب و تظاهرات علیه شاه در ایران، با توجه تصویر سیاه اخبار رسانه‌های

غربی، نه تنها پاسخ‌دهی به برخی واگذاری امتیازات توسط رژیم است که به استفاده از زور و اجبار توسط دولت نظامی از کار افتاده غلامرضا ازهاری نیز می‌باشد. وی به استثنای دادخواهی شاه مبنی بر فراموش کردن تمام اشتباهات و بدکرداری‌های گذشته دستور به کاوش در رشوه‌خواری و فساد سران مملکت داد. همچنین سعی بر این بود که احساسات مذهبی مردم فرونشاندن شود.

ماه گذشته شهبانو سفر زیارتی به اماکن مقدس نجف و کربلا داشت. وی با حجاب کامل بود و توسط یک زن محافظت می‌شد. او همچنین با آیت‌الله خوئی، آن مرد پیر و مقدس تماس گرفت. همچنین صدام حسین رئیس جمهور عراق را ملاقات کرد که طی تماس تلفنی از ایشان خواسته شده بود، سلام وی را به شاه و مردم محبوب ایران برساند. هفته گذشته ژنرال ازهاری متذکر شد اصلاحات و قوانین با ترویج آشکار دین اسلام توسط آیات عظام یا نمایندگانشان منجر به تغییر شکل‌های اساسی خواهد شد. اگر چه آنچه شاه و مشاورانش به

نظر می‌رسد متوجه نشوند، عدم پذیرش

مطلق شاه و سیستم تحت سلطه وی است. به

استثنای آنانی که به طور پراکنده حکومت

اسلامی را که مبتنی بر صداقت و همفکری

است پیش گرفته‌اند و سلطنت مطلقه ایران را

نمی‌پذیرند، میان‌روهایی وجود دارند که

دقائق تمایل کمتری به نظام شاه دارند.

گفته‌های ژنرال ازهاری به یک خبرنگار

اتریشی مبنی بر اینکه شاه در حال حاضر

افسرده، ناراحت و خسته است به نظر واقعی

می‌رسد، اما بسیار جای تردید است اگر او

هنوز بر حرف خود باقی باشد.



مبهرن است عاملی که او را بر سر قدرت نشانده بدون تأمین خواسته‌هایش به او اجازه کنار رفتن از صحنه را نخواهد داد و سایه مبارزه بین دو قدرت برتر تداوم دراماتیک خود را حفظ خواهد نمود.

علی‌رغم اینکه امریکا لزوم ایجاد رژیم مذهبی در ایران که عامل برانگیزاننده احساسات خفته در یک جمهوری اسلامی است را ضروری می‌داند، اتحاد شوروی ترجیه می‌دهد شاه بر سر قدرت باشد و از طرف توده مردم حمایت شود. با پذیرش این وضعیت در ایران، روسیه به امریکا اجازه نخواهد داد که وضعیت موجود را یکطرفه برهم بریزد.



### US in Iran: ignoring the facts

By Paul M. Hain

The fact that the White House was sceptical in the proclamation of the Shah's position in Iran is being depicted as a history of intelligence. In fact, it is a mere series of factors of political perception and analysis.

The excuse of the CIA for not giving the President a better national intelligence estimate of the developing situation in Iran is that the United States had no money then, including intelligence fees, in the Shah that the CIA was preoccupied from trying to persuade opposition groups and thereby find out what they were up to. This is true as far as it goes, but what it reveals is that it would not have been necessary for the CIA to do this in order to know that things were not going well for the Shah.

That should have been apparent from open sources such as are available in the political sections of all American embassies, or in ordinary newspaper readers, for that matter.

Indeed, it was apparent to the State Department in the bureaucratic juggling which went into the preparation of the daily intelligence estimate, the department had not for saying so. The fact that the department did not prevail reveals more than the lack of current intelligence from opposition groups.

It involves, first of all, the tendency to assign greater weight to covert intelligence than to facts which are in the public domain. If intelligence sources within the Iranian Government are saying that all is well, there is a tendency to give this greater weight than hard facts which anybody can read saying that ordinary Muslims are rioting all over the place.

There are, of course, situations in which covert sources and clandestine methods of collec-

tion provide the only way to learn something. But these have rarely in the past been concrete details. They will not do you the day and hour that an uprising is planned, but certainly, perceptive political analysis ought to tell you that a given situation is ripe for an uprising, a demonstration, or other political turmoil.

Such analysis was available with respect to Iran, but it was ignored because it was not backed up by covert intelligence and indeed was contradicted by all serving reports from Iranian Government sources.

It was probably ignored for other more subtle and serious reasons as well. These can be summed up in the importance of Iran. This led the US under various presidents and over 30 years, to develop a relationship with the Shah which had little if it not the seeds of its own destruction, at least the seeds of a growing dilemma.

Overlook the fact that the US restored the Shah to his throne through covert action in 1953. Overlook the fact that Nixon sent the former director of the CIA to be Ambassador to Iran.

The more troublesome re-orientation comes from the fact that, in response to the Shah's insatiable demands backed by his increasingly unobtainable oil wealth, the United States sold Iran 20 billion worth of military equipment between 1950 and 1975. The most troublesome re-orientation of all comes from the fact that because the equipment was complicated beyond the capacity of the Iranians to use it, the US also sent 60,000 or more Americans to show them how, simply by their presence, these Americans became hostages to US Iranian rela-

tions and at the same time became a complicating factor in those relations.

In short, the Corliss Kent of the US who dealt with the Shah was too puzzled to cut and the prospect of an alternative to the Shah was too horrible to contemplate. So there was a reluctance to follow where the facts led. There was reluctance to criticize the Shah even by casual discussion and conversation with the opposition (not the US Embassy in Moscow but an officer whose business job it is to cultivate contacts with Soviet dissidents).

The irony is compounded by the fact that while US-backed governments almost invariably get in trouble because they were too conservative, the Shah's opposition comes from orthodox Muslims who have actually managed to make him look liberal.

Merely perhaps, one cannot foresee how and how late will end, though the outcome is unlikely to be a happy one, either for the US or the Shah. It may well be too late to do much about it in any way - other than to try to learn the right lessons from this experience and especially to apply those lessons.

One lesson seems to be that in dealing with broad political opposition, constant contact is better than covert penetration of other governments or opposition.

Another is that 20th-century technology, plus hundreds of American, plus a 19th-century society make a volatile mixture.

It is no less open to being considered the case of nearby Saudi Arabia.

Mr. Hain is a Provisional Member of the Foreign Affairs based in Washington.

## امریکا در ایران: نادیده انگاشتن واقعیت‌ها

نویسنده: پات.ام.هین  
ترجمه: سمیه صانمی

اشاره

در این مقاله که در روز سوم ژانویه ۱۹۷۹ / اوایل دی ماه ۱۳۵۷ در روزنامه کریستین ساینس مانیاتور به چاپ رسید، نویسنده به ناتوانی نخبگان سیاسی امریکا در شناخت زمینه‌های سقوط شاه در ایران و عدم کارآمدی سازمان اطلاعات امریکا (سیا) در ارائه اطلاعات دقیق از رهبران اصلی انقلاب اشاره می‌کند.

فقدان اطلاعات مفید از گروه‌های اصلی رهبری کننده انقلاب، اعتماد ساده لوحانه به اظهارات رژیم شاه مبتنی بر محبوبیت خود در میان ملت ایران، نقش امریکا و سازمان سیا در کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ علیه دولت ملی ایران و بازگرداندن رژیم شاه به قدرت، سود کلان حاصل از فروش حدود ۲۰ میلیارد دلار ابزارهای جنگی به رژیم شاه و غیره از جمله مباحثی است که نویسنده با بیان آنها نتیجه می‌گیرد که امریکا تمایلی نداشت باور نماید که دوران حاکمیت شاه در ایران به پایان رسیده است.

ترجمه

این واقعیت که کاخ سفید در رابطه با ناپایداری وضعیت شاه در ایران شگفت‌زده

شده است، موجبات دلسوزی نسبت به هوش و ذکاوت شاه را فراهم آورده است. در حقیقت تحلیل و درک این شکست سیاسی بسیار دشوار است. پوزش سیا نسبت به ندادن اطلاعات نظامی ملی بهتر به نخست وزیر جهت تخمین پیشرفت وضعیت در ایران این است که ایالات امریکا مشکلات بسیاری دارد شامل مشکلات اطلاعاتی به شاه که سیا از طریق نفوذ در گروه‌های مخالف یافته است. اما در یک نگاه کلی به سیا ضرورتی نیست تا کارهایی جهت دانستن افعال مضر به حال شاه انجام دهد. مسلما از منابع بازی چون قسمت‌های سیاسی تمام سفارات امریکا و عموم خوانندگان روزنامه‌ها چنین اطلاعاتی قابل درک است. در واقع این مسئله برای امریکا نیز مشهود است.

امریکا در حیطه امور اداری از متهم ساختن هر فردی در ارزیابی اطلاعات نظامی خودداری نمود. سازمان علی رغم کمبود اطلاعات مخفی از سوی گروه‌های مخالف به خوبی بر مشکلات فائق آمده است. در ابتدا گرایش و تمایل بیشتری نسبت به پوشش دادن به اطلاعات بروز می‌یابد و واقعیاتی که در قلمرو عموم وجود دارد کمرنگ می‌شود. اگر منابع اطلاعاتی در دولت ایران اظهار دارند که همه چیز خوب است آنجاست که مسلمانان رسمی و سنتی همه را پوشش داده‌اند.

منابع اطلاعاتی موجود است که در هر لحظه می‌تواند آنچه را که در موقعیت‌های خاص پدیدار می‌شود توضیح دهد و حتی روز و زمان طراحی یک شورش ملی را تعیین کند. چنین تفاسیری نیز برای ایران وجود دارد. اما منابع اطلاعاتی به اخبار خبرگزاران داخلی ساکت بودند، شاید هم به دلایل استراتژیک و بسیار مهم دیگر. این مسأله به امریکا اجازه داد که طی نخست وزیری ۷ نفر و ۳۰ سال حکومت با ایران روابط حسنه‌ای داشته باشد و عمدتا به نفع وی بوده است. همان طور که امریکا در تهاجمات سال ۱۹۵۳ و با فرستادن یک عضو ماهر از طرف CIA و آقای نیکسون از انحلال قدرت در ایران و فروپاشی نظام شاهنشاهی جلوگیری نمود.

در دیگر جای می‌توان به فروش نفت ایران در قبال ۲۰ بیلیون ابزار جنگی بین سال‌های

۱۹۵۰ تا ۱۹۷۸ اشاره کرد. امریکا همچنین ۴۰/۰۰۰ یا بیشتر امریکایی جهت آموزش نحوه استفاده از این ابزارهای جنگی به ایران فرستاد. با حضور آنان در ایران که متضمن روابط امریکایی - ایرانی شدیدتری شد واقعیات مشکل تازه‌تری به خود گرفت. اگر امریکا از ایران روی‌گردان شود، شاه مخالف آنچه تا کنون داشته است رفتار می‌کند یعنی مبدل به یک مسلمان سنتی و واقع‌گرا می‌گردد. نکته‌ای که در اینجا به ذهن می‌رسد این است که حس و اراده مشترک ارزشمندتر از گرایش به دول موافق و مخالف است. دیگر اینکه تکنولوژی قرن ۲۰ به علاوه صداقت امریکایی‌ها به علاوه اجتماع (جامعه) قرن ۱۵ ترکیب فرار و نامتجانس را به وجود خواهد آورد.

این حالت و وضعیت به زودی برای عربستان سعودی نیز پیش خواهد آمد.





## رنگ، آتش، خون

### تهران در سرخی می‌غلطد و هر سایه‌ای گریه است

نویسنده: دان.ا.شانخه

ترجمه: بنیاد تاریخ پژوهی ایران معاصر

اشاره

مقاله مذکور که در ۳۰ دسامبر ۱۹۷۸ / دی ماه ۱۳۵۷ در روزنامه لس‌آنجلس تایمز به چاپ رسید به جنایات رژیم شاه در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در میدان ژاله تهران (میدان شهدا) می‌پردازد. نویسندگان در این دوران در تهران حضور دارد به این حقیقت اعتراف می‌کند که حجم کشتار مردم توسط شاه آن قدر زیاد است که آماری نظیر شمردن اجساد، دیگر نمی‌تواند عمق آنچه را که در ایران می‌گذرد نشان دهد. رنگ موجود در خیابان‌ها که رنگ سرخ خون ملت ایران است نشان می‌دهد که بر سر ایران چه آمده است.

تهران - رنگ این شهر فلج شده در روز جمعه سرخ بود. انفجار نارنجی مایل به

سرخ از لوله مسلسل‌های ارتش.

سربازان و خدمه دولت با شتاب رنگ قرمز زنگاری به روی دیوار خانه‌ها، ساختمان‌ها و بناها می‌پاشیدند تا شعارهای تلخ و زهرآگین ضد شاهی را بزایند. اما شعارهای دیگری که می‌گفتند «شما نمی‌توانید ننگ و شرم خود را با رنگ ببوشانید» دوباره دیوارها را می‌پوشاند.

شعله قرمز آتش‌سوزی‌های بزرگی که ماشین‌ها و وسائط نقلیه دولتی را می‌سوزاند توسط دانشجویان بی‌باک و جسور تظاهرکننده مخالف حکومت بر افروخته شده بود تا سربازان را گیج کند و چهارراه‌های شهر را مسدود نماید.

و زشت‌تر از همه اینها رنگ قرمز مایل به قهوه‌ای خون علقه شده‌ای بود که سر تا پای لباس پاره پاره شده از گلوله جمعی از اجساد روز جمعه را در قبرستان بهشت زهرا پوشانده بود.

### سرخ‌ی خون

این خود چادر روشن گلدار... زنی که ۲۴ ساله به نظر می‌آمد را پوشانده بود، اگر چه حدس زدن سن و سال این زن بسیار دشوار بود زیرا بیشتر سرش را گلوله‌ای با سرعت بسیار زیاد از هم پاشیده بود. به نظر می‌آمد که او تقریباً ۴ ماهه آبستن بود.

همان خون پیژامه راه راه پیرمردی شاید ۸۰ ساله را رنگین ساخته بود. گلوله به قفسه سینه‌اش خورده بود و قبل از مرگ خون زیادی از او رفته بود.

و همان خون تقریباً تمام لباس پسری ۸





یا ۹ ساله را که از جراحی گردن مرده بود پوشانده بود. در عرض نیم ساعتی که خبرنگاران خارجی ناظر کار مرده‌شوی‌خانه بودند ۱۴ جسد به داخل آورده شد تا شستشو سپس دفن شوند. همه آنها از جراحی گلوله‌هایی مرده بودند که روز پنجشنبه و پنجشنبه شب ظاهراً از طرف ارتش شلیک شد و آن هنگامی بود که هزاران نفر در اعتراض و مخالفت با دولت نظامی شاه و منع رفت و آمد شبانه به خیابان‌ها ریختند.

یکی از کارکنان تلویزیون انگلستان که در بیافرا شاهد مرگ کودکان بود و در ویتنام شاهد از هم پاشیده شدن بدن سربازان و در خیابان‌های بیروت زنان معصوم و بیگناه را دیده بود که با شلیک گلوله نقش بر زمین می‌شدند، وسائش را بر زمین گذاشت و شروع به گریستن کرد.

شاید قبرستان بهترین جا برای اندازه‌گیری خشم و غیظ یک شهر و یا توصیف آن نباشد ولی روز جمعه نشان می‌داد که چه به سر مردمی متمدن می‌تواند بیاید هنگامی که مردم با بقایای حکومتی که با ناامیدی تلاش می‌کند از راهی که می‌توان آن را فقط بی‌قانونی نامید، قانون و نظم ایجاد کند، به سوی زد و خوردهای شدید و اغتشاش‌آمیز رانده می‌شوند.

\*\*\*

خیابان‌های شهر صفوفی از سنگ‌های سوخته شده را نشان می‌داد. بر سر یکی از تقاطع خیابان آیزنهاور - که بعد از حفظ کردن سلطنت شاه در سال ۱۹۵۳ با فرستادن مأمورین سیا برای خریدن تظاهرات‌کنندگانی به نفع شاه به نام او نامیده شد - سنگر از سه ماشین آتش‌نشانی و دو اتوبوس و نیم دو جین ماشین واژگون شده تشکیل می‌شد.

یک سرهنگ ارتش ایران، یک سرباز و ۶ تظاهرات‌کننده، طبق آخرین شمارش، روز چهارشنبه زیر رگبار گلوله‌های ارتش جان سپردند.

کارگران نیروی برق که تولید نیروی برق را کنترل می‌کنند اکثر اوقات روز به شهر برق می‌رسانند ولی گاه به گاه برق قسمتی از شهر را قطع کرده و کار وسائل برقی از چراغ خطر

گرفته تا کامپیوترها را متوقف می‌کنند، فقط برای اینکه نشان بدهند که این آنها هستند که کنترل این سیستم حیاتی را در دست دارند نه دولت، هر شب سر ساعت هشت و نیم، ساعتی که شبکه تلویزیون دولتی اخبار اندک و بسیار تحریف شده‌اش را پخش می‌کند، آنها برق قسمت اعظم شهر و یا تمام آن را قطع می‌کنند. برای کارگران نیروی برق، قطع شبانه برق نشانه دیگری بر ناتوانی حکومت است در فرودگاه تهران نیز به علت اعتصاب کارکنان پروازی صورت نمی‌گیرد.

در مرکز شهر که سینماها و بانک‌ها و رستوران‌ها و دفاتر کار بدون فعالیت هستند مثل شهر ارواح است.

اکثر بانک‌ها، سینماها و مغازه‌های مشروب فروشی توسط شورشگران خشمگین در اوایل نوامبر یا سوخته شده یا در هم کوبیده شده‌اند. آن کسانی هم که مغازه‌هایشان را تعمیر و دوباره گشودند باز مجبور به بستن آن شدند. بعضی از ساختمان‌ها مثل دفتر خطوط هوایی اسرائیل - ال آل - دوباره به آتش کشیده شدند.

کسبه و تجار نیز دیگر زحمت باز کردن مغازه‌ها را به خود نمی‌دهند چون آن دسته از کارمندان نیز که مایل به کار کردن هستند به علت نبودن بنزین نمی‌توانند سر کار بروند و گروهی دیگر هم به علت اوامر رهبران مذهبی مبنی بر متوقف کردن کار تا از بین رفتن سیستم حاکم به سر کار نمی‌روند. به غیر از مردمی نیازمند که برای خرید نان و نفت صف کشیده‌اند فقط دو گروه روز جمعه آزادانه در خیابان‌های مرکزی تهران حرکت می‌کردند. یک گروه تظاهرات‌کنندگان بودند و گروه دیگر سربازانی که برای متفرق کردن آنها آورده شده بود.

در یک تقاطع اصلی در جنوب غربی تهران روز جمعه نه چندان دور از محلی که در آن سرهنگ و دیگران کشته شدند دسته‌هایی مرکب از ۱۵ تا ۳۵ نفر در راهرو خانه‌ها مخفی می‌شدند و گاه گاه بیرون می‌آمدند تا آتشی تازه روشن کنند یا اتومبیل‌های معدودی را که می‌گذشتند متوقف می‌کردند تا سرنشینان آنها را یا تهدید کنند یا آنها را به خاطر هدفی انقلابی وارد کار کرده تا شعارهای ضد شاهی بر روی پنجره‌های اتومبیلشان بچسبانند.

چند صد متر آن طرف تر یک کامیون از کماندوهای ارتش ایران ایستاده بود. نوع جدیدی از سربازان به تازگی به گروه ۶۰۰۰۰ نفری ارتش که در اینجا هستند اضافه شده تا آنان را تقویت نمایند. این سربازان جدید از اهالی بلوچستان و از اخلاف ایل قدیمی بلوچ هستند که راهزنی‌هایشان علیه کاروان‌های مشرق از قدیم الایام به خباثت معروف بوده است. سربازان جدید بلوچی به طوری که گفته می‌شود ارزش ناچیزی برای جوان‌های تهران قائلند و این را با حمله بردن به جوان‌ها با تفنگ‌های اتوماتیک و شلیک گلوله برای مجروح ساختن یا کشتن آنان نشان می‌دهند. هیچ کس نمی‌داند چند نفر توسط گلوله‌های آنها و گلوله دیگر نیروهای ارتش در روزهای پنجشنبه و جمعه کشته شده‌اند. آماری نظیر شمردن اجساد دیگر نمی‌تواند دقیقا آنچه را در اینجا می‌گذرد بیان کند. اما رنگ موجود یک معیاری به دست می‌دهد و آن رنگ سرخ است.





## قدرت فرقه، شورش ایران

## ریشه‌های عمیق در مذهب

نویسنده: جو الکس مورس جونیور  
ترجمه: بنیاد تاریخ پژوهی ایران معاصر

اشاره

این مقاله در روز چهارشنبه ۳۰ دسامبر ۱۹۷۸ / اوایل دی ماه ۱۳۵۷ در لس آنجلس تایمز به چاپ رسیده است. آنچه برای نویسنده این مقاله در مورد انقلاب ملت ایران علیه مشروطه سلطنتی جالب توجه بوده این است که ایران در آستانه یک انقلاب اساسی است، اما نه به رهبری سیاستمداران و نخبگان رسمی دگرگونی‌های سیاسی بلکه به رهبری رهبران مذهبی. از دیدگاه نویسنده این مقاله مذهب در ساختار تفکر ایرانیان آن قدر نفوذ دارد که رژیم شاه با اینکه توانسته بود در طول دوران حکومت استبدادی خود بسیاری از جریان‌های سیاسی را از صحنه خارج کند اما از پس مساجد و روحانیت سازمان‌یافته و سیاسی شیعه بر نیامده است.

نویسنده ظاهرا آگاه است که در مذهب شیعه سیاست از حوزه دین جدا نیست. حضور مستمر روحانیت شیعه در مبارزات دوران اخیر ملت ایران علیه استبداد و استعمار از میرزای شیرازی و نهضت مشروطیت ایران تا انقلاب اسلامی از جمله مباحثی است که نویسنده در این مقاله برای نشان دادن ریشه‌های عمیق مذهب در اعتقادات ملت ایران از آنها یاد می‌کند. نویسنده اعتراف می‌کند که یک احیای پر قدرت مذهبی در ایران - تنها کشوری که شیعیان در آن اکثریت دارند - در حال شکل‌گیری است.

البته نویسنده به دلیل جهل نسبت به آموزه‌های شیعه یا شیطنت‌های خاص ژورنالیست‌های متعصب غربی نسبت به جهان اسلام تلاش می‌کند با ذکر اطلاعات غلط در خصوص اعتقاد مردم ایران به امام خمینی به عنوان امام دوازدهم یا وجود اختلافات عمیق میان مراجع شیعه به نوعی باورهای شیعیان و ملت ایران را در جهان اسلام مخدوش نشان دهد.

نثر چمن

تهران، ایران - در حالی که بر روی طاق یک مینی بوس فولکس واگن ایستاده و باد عبای سیاه‌رنگش را تکان می‌داد، روحانی جوان مسلمان با ریش، برای خطاب کردن به جمعیتی که در اطراف بنای شهید ازدحام کرده بودند از یک بلندگو استفاده می‌کرد. او گفت: «به خانه‌هایتان برگردید، متفرق شوید، فردا بازگردید.»

جمعیت که اکثرا از افراد جوان ولی همچنین از زنان و افراد مسن نیز تشکیل شده بود و کیلومترها در بزرگ‌ترین تظاهرات ضد حکومتی که این شهر تا کنون به خود دیده راهپیمایی کرده بودند، به تدریج متفرق شدند.

آنها امید داشتند خطابه‌هایی شورش‌برانگیز علیه محمدرضا شاه پهلوی بشنوند اما چنین خطابه‌هایی ایراد نشد. این حادثه تنها نمونه



کوچکی از یک پدیده جالب توجه بود. ایران در بحبوحه یک انقلاب سیاسی است، اما نه به رهبری سیاستمداران بلکه به رهبری رهبران مسلمان کشور.

یک دلیل آشکار برای قدرت مذهب در سیاست این ملت وجود دارد: حکومت استبدادی شاه در ۲۵ سال گذشته به تدریج تمام مجراهای ابراز عقاید سیاسی را به جز مساجد و روحانیت خوب سازمان یافته و شدیداً سیاسی شده شیعه را مسدود کرد. ولی نقش پر قدرت مذهب ابعادی بیش از این در بر دارد. آن روحانی که روی طاق مینی بوس ایستاده بود یکی از طلاب فرقه شیعه بود که ۹۰ درصد جمعیت ۳۵ میلیون نفری ایران بدان تعلق دارد. بر خلاف فرقه سنی - که در سطح جهانی وسعت آن خیلی بیشتر است - شیعیان هرگز مذهب را از سیاست جدا نساخته‌اند. هدف‌هایی که اخیراً مورد حمله شورشیان قرار گرفته اماکنی بوده‌اند که کار آنها با اصول مذهبی مغایرت داشته است. این شامل کلوپ‌های شبانه، مغازه‌های مشروب فروشی و سینماها می‌شود. سینماها، بنا بر نظر مقدسین نهی قرآن را در مورد تجسم تصویر انسان زیر پا نهاده و علاوه بر این به طور مکرر از تبلیغات و اعلان‌های سکسی شدیداً شهوات‌انگیز استفاده کرده‌اند.

هدف دیگر بانک‌ها می‌باشند - به خصوص بانکی که تحت نظارت بنیاد پهلوی شاه است و همچنین دیگر بانک‌ها، زیرا قرآن بهره را تحریم کرده است. تعصب مذهبی همچنین با موجی از ترس از بیگانگان آمیخته شده و باعث گریختن هزاران خارجی از کشور شده است. روحانیت شیعه مکرراً در جریان مبارزات سیاسی این کشور بوده است. مثلاً در سال ۱۸۹۱ مبارزه علیه اعطای امتیاز انحصاری تنباکو را به یک کمپانی انگلیسی رهبری کرد به طوری که تمام مغازه‌های تنباکو فروشی بسته و استعمال تنباکو عملاً متوقف شد و شاه مجبور به لغو امتیاز تنباکو گشت.

در سال ۱۹۰۶ علما یک انقلاب بدون خونریزی را رهبری کردند که در آن ۱۶ هزار نفر به محل سفارت انگلیس رفته در آنجا بست نشستند و خواستار حکومت قانون اساسی شدند. نتیجه آن قانون اساسی ۱۹۰۶ بود - سندی که اکثر مخالفین امروز شاه خواستار اجرای آن

هستند.

یکی از طلاب شهر مذهبی قم چنین توضیح داد «ما شیعیان دستگاه مذهبی را بالاتر از دستگاه حکومت می‌دانیم.» آیت‌الله کاظم شریعتمداری روحانی برجسته داخل کشور به این نحو آن را توصیف می‌کند: «هیچ حزب نیرومندی به جز خود ملت وجود ندارد و ملت هم از رهبران مذهبی‌اش پیروی می‌کند.»

امروز دلیل چندان مهمی وجود ندارد تا بتوان در این مورد که ملت از رهبران مذهبی‌اش پیروی می‌کند شک کرد. آنچه که کمتر روشن است این است که آیا چنین چیزی از حیطة ماهیت ذاتا منفی این جنبش فراتر می‌رود یا نه - شورشی علیه مادیگری، عدم مساوات، فساد و نابسامانی‌های اجتماعی ناشی از فشار و اصرار شاه برای صنعتی کردن کشوری که اساسا عقب‌افتاده باقی مانده است.

علی، مهندسی که در پروژه یک کارخانه کاغذ سازی در کنار دریای خزر کار می‌کند، چنین گفت: «در کوتاه مدت رهبران مذهبی بر جنبش تسلط خواهند داشت. در دراز مدت ممکن است رهبری به دست کمونیست‌ها بیفتد.»

در هر صورت شک نیست که یک احیای پر قدرت مذهبی در ایران - تنها کشوری که در آن شیعیان در اکثریت هستند - صورت گرفته است. در روز دهم دسامبر بیش از یک میلیون نفر در تظاهراتی که به طرز خارق‌العاده‌ای سازمان یافته بود به نام ایمان مذهبی به خیابان‌ها ریختند.

تظاهرات همچنین یک رأی پرطنین حاکی از حمایت و طرفداری از آیت‌الله خمینی بود - مردی که از تبعیدگاهش در پاریس مبارزه علیه حکومت شاه را رهبری کرده است. بسیاری از مخالفین شاه در سراسر کشور با عقاید خمینی در مورد تشکیل یک جمهوری اسلامی در ایران موافق نیستند ولی نقش او به عنوان رهبر جنبش (از سوی هیچ جبهه‌ای - م) مورد رقابت و زورآزمایی قرار نگرفته است. او امروز قدرت مؤثر رای مخالف دادن در حیات سیاسی و اقتصادی کشور را در اختیار دارد.

(در اینجا یک پاراگراف در مورد رابطه بین تشیع و ایرانیان حذف شد - م)

یکی از استادان سابق گفت: «سلسله صفویه از تشیع بهره‌برداری کرده و از آن یک جنبش ملی ساخت.» چنین چیزی در قرن شانزدهم بوده ولی امروز نیز به همان طریق از آن استفاده می‌شود.

دکتر فریدون علا فرزند یک نخست وزیر پیشین گفت: «تشیع نوعی تفرقه‌افکنی نژادی در الهیات است. ایران همیشه یک شریک ناآرام و مضطرب در ملت اسلام بوده است.»

با این حال در بعضی مسائل پیوندهای شدیدی با دیگر کشورهای اسلامی وجود دارد. یکی از اعتراض‌های اساسی مذهبی علیه شاه این است که او به اسرائیل نفت فروخته است و از این مسأله به عنوان حربه‌ای برای آتش افروختن به تعصبات مذهبی علیه شاه استفاده شده است (در این جا سه پاراگراف که در آن نویسندگان در مورد ریشه‌های تشیع و عاشورا و مراسم آن توضیحاتی داده حذف گردید - م)

امسال عاشورا با ۱۱ دسامبر مصادف شد و فرصت مناسبی برای تظاهرات توده‌ای علیه شاه بود - تظاهراتی که به طرز خارق‌العاده‌ای سازمان یافته بود و بیانگر این نکته که چگونه سیاست و مذهب در ایران با یکدیگر آمیخته‌اند.

امروزه ۸۶ میلیون شیعه وجود دارند که به فرق گوناگون تقسیم شده و در جهان پراکنده شده‌اند.

یکی از اصول مذهبی شیعیان آن است که به وجود دوازده امام یا رهبران منصوب از جانب خدا معتقدند. دوازدهمین امام که محمد نام‌گذاری شده از ذریه پیامبر است و گفته می‌شود که در سال ۸۸۰ در کوه‌های اطراف مکه غایب شده است. شیعیان معتقدند که او نمرده و باز خواهد گشت و جهان را به سوی صلح و عدل رهنمون خواهد گشت.

امروزه بعضی‌ها حتی معتقدند که خمینی که حدود هشتاد سال دارد دوازدهمین امام است و باز گشته است تا منجی مردم باشد گرچه خود تبعیدی هرگز چنین ادعایی نکرده است.

از زمان غیبت امام دوازدهم دستگاه مذهبی توسط به اصطلاح نواب او رهبری شده است.



بعضی ایام توسط یک نفر یا چون امروز توسط یک جمع، گروه شش نفری در حال حاضر شامل خمینی و آیت‌الله (یعنی موهبت خدا) دیگری که در کربلا واقع در عراق اقامت دارد. می‌شود آنها مشتهد (اشتباه از نویسنده مقاله است - م) یا کسان مورد قبول هستند و همیشه افراد مسنی هستند که به خاطر حکمت و دانایی‌شان مورد احترامند. شریعتمداری که ۷۶ سال دارد جوان‌ترین فرد این گروه شش نفره است. این نواب همیشه اتفاق نظر ندارند. تفرقه عظیمی در سال ۱۹۰۶ به وجود آمد. هنگامی که اکثریت اتفاق در پذیرفتن قانون اساسی کردند که بیشترین قدرت را به دست مسئولان غیر روحانی داده و برای روحانیت تنها حق بررسی قوانین را باقی‌گذارد تا مبرهن شود که با قوانین اسلامی مطابقت دارد.

چنین چیزی قرار بود از طریق نوعی مجلس اعلای شیعه انجام پذیرد ولی آیت‌الله‌ها هرگز نتوانستند بر سر این موضوع که چه کسی باید در آن خدمت کند اتفاق نظر کنند و تا به امروز چنین مجلسی به مرحله اجرا در نیامده است.

روحانیت هنوز دارد بر سر این موضوع بحث می‌کند. خمینی خواستار یک جمهوری اسلامی است ولی شریعتمداری و دیگر رهبران داخل کشور حاضرند تا با قانون اساسی ۱۹۰۶ کار کنند. اما آنها اختلافاتشان را اکثرا پیش خودشان نگاه می‌دارند.

شاه سعی کرده است تا از حجم مخالفت مذهبی بکاهد. تقویم شاهنشاهی را لغو کرده و دوباره به تقویم اسلامی بازگشته است. یکی از سازمان‌های دولتی را که به آزادی زنان اختصاص داشت از میان برداشته و نخست وزیرش به روحانیون قول داده که آنان حق بررسی تمام قوانین را داشته باشند.

ولی چنین به نظر می‌رسد که تمام تلاش‌هایش دیگر خیلی دیر و بیش از حد ناچیز باشند. رهبران مذهبی بر روی موج شورش و تظاهرات بلندپروازی می‌کنند و چنانچه از خمینی بازگشتی نباشد امید کمی برای مصالحه باقی خواهد ماند.

در اینجا انقلابی بر مبنای مذهبی در اوج طغیان است و هیچ کس نمی‌داند چگونه و به کجا ختم خواهد شد.



## رهبر روحانی ایرانیان از راه دور نیروهای مردمی را رهبری می کند

نویسنده: نیکاليس گيج  
ترجمه: بنیاد تاریخ پژوهی ایران معاصر

### اشاره

این مقاله در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۸ / آذر ماه ۱۳۵۷ در روزنامه کانزاس سیتی تایمز به چاپ رسید. نویسنده در این مقاله به عظمت رهبری امام خمینی در انقلاب اسلامی اشاره می کند و معتقد است با اینکه آیت الله خمینی هیچ حزب سیاسی را رهبری نمی کند، هیچ ارتشی را تحت فرمان ندارد و هیچ قدرت خارجی از او حمایت نمی کند، مدت پانزده سال است که در خارج از ایران رهبری یک جنبش بزرگ مردمی را به عهده دارد.

پیوند انقلاب اسلامی با ماه محرم، نگارش طرح حکومت اسلامی بعد از سرنگونی رژیم شاه در سال های پیش توسط امام خمینی، سازش ناپذیری امام در رهبری جنبش و غیره از جمله مباحثی است که نویسنده در این مقاله بدان اشاره می کند.

البته وجود پاره‌ای اطلاعات غلط درباره امام خمینی در این مقاله نشان می‌دهد که نخبگان سیاسی غرب و تحلیل‌گران مطبوعاتی آنها نسبت به شناخت رهبر مذهبی و سیاسی ایران از چه فقر عظیمی رنج می‌بردند و تا چه اندازه تحت تأثیر اطلاعات غلط مخالفین انقلاب اسلامی و دروغ‌های رژیم شاه و مزدوران انگلیسی و امریکایی او نسبت به پخش شایعه راجع به امام قرار داشتند.

### تاریخچه

تهران - ایران، آیت‌الله روح الله خمینی در حالی که هیچ حزب سیاسی را رهبری نمی‌کند هیچ ارتشی را فرمان نمی‌دهد و هیچ متفق (پشتیبان) خارجی ندارد به مدت ۱۵ سال است که از کشورش تبعید شده است او در فاصله سه هزار مایلی در حومه پاریس زندگی می‌کند.

اما امروز او شاید بیشتر از هر شخص دیگری در سرنوشت ایران تأثیر دارد. و این مطلب شامل دشمن او یعنی شاه محمد رضا پهلوی که از ارتش مجهز و ثروت زیاد و حمایت بین‌المللی برخوردار است نیز می‌باشد.

انتقاد ملایمی که در یک مقاله روزنامه در نشریه ژانویه گذشته از آیت‌الله شده بود، کافی بود تا طغیانی در سرتاسر این کشور شروع کند و این طغیان تهدیدی است برای موجودیت واقعی سیستم حکومت پادشاهی که ریشه‌هایش در ایران بر می‌گردد به حکومت سلطنتی که برای ۲۵۰۰ سال بلا انقطاع بوده است.

در یازده ماه گذشته تظاهرات‌کنندگان تقریباً در هر شهر کوچک و بزرگ ایران تمثال رهبر مذهبی را که به نظر سیدی است با محاسن سفید و عمامه سیاه، به عنوان پرچم جنگ تکان می‌داده‌اند، در حالی که مردم تصویر شاه را که در هر گوشه و کنار پیدا می‌شود پاره پاره می‌کردند و با تکه‌های آن آتش‌های بزرگی را فراهم می‌کردند.

در غربت و تبعیدگاه خمینی به عنوان بیان‌کننده خشم درونی مردم به صورت سمبل درآمد است و او است که با قانون شاه که آمرانه، فاسد و تأکید روی به سلیقه امروزی در آوردن است مخالفت می‌کند و به جای آن آیت‌الله رسم اسلامی محافظه‌کارانه را پیشنهاد و

معرفی می‌کند.

یک استاد در دانشگاه تهران می‌گفت اگر خمینی وجود نمی‌داشت مجبور بودیم او را اختراع کنیم.

شخصی که مسلمانان شیعه وفادار ایران را بدون اسلحه به مخالفت سپاهیان شاه به خیابان‌ها فرستاده سالخورده مردی است ۷۸ ساله با صورتی عبوس که با خشونت از زیر ابروهای سیاه پرپشت به دنیا می‌نگرد.

هنگامی که دسته‌های عبادت کننده در ماه عزاداری مسلمانان، محرم، که تا ۲۹ دسامبر ادامه دارد، به باغ او در حومه پاریس می‌آیند، آیت‌الله به پیروانش اعلام می‌کند: «خون خود را فدا کنید تا از اسلام حمایت کنید و این حاکم ستمگر را سرنگون سازید.» این طور تخمین زده شده است که از زمانی که این تعطیلات رسمی مذهبی از دوم دسامبر شروع شده جمعیتی به تعداد ۷۲ ایرانی فرمان او را انجام داده‌اند و در راه او فداکاری کرده‌اند.

روح الله خمینی در سال ۱۹۰۱ به نام روح الله هندی در شهر کوچکی در ۱۸۰ مایلی جنوب تهران متولد شد. در ایام جوانی پدر او به نام مصطفی در یک درگیری شخصی به وسیله شهردار شهر کشته شد. در میان سه برادر، روح الله در مدارس مذهبی در مروی و قم در ایران و نجف در عراق (شهرهای مذهبی برای شیعیان) تحصیل کرد. یکی از برادرهایش وکیل شد و دیگری سردفتر اسناد رسمی.

در سال ۱۹۳۰ یکی از برادرهای او به خاطر فعالیت‌های چپ‌گرا دستگیر شد و روح الله اسم فامیلی جدیدی را به نام خمینی برگزید.

از عنفوان جوانی خمینی شهرت یک عالم با افکار مستقل را به دست آورد. او ابتدا در اصفهان و سپس در قم در مدارس مذهبی تدریس نمود، ولی روش‌های تجزیه و تحلیل و تفسیری با علائم تفکر کننده تدریس او باعث شد که از طرف رهبران مذهبی سالخورده که افکار ابداعی را بین طلاب جوان تشویق نمی‌کردند مورد انتقاد قرار گیرد. آنها خمینی را وادار کردند که به تدریس قوانین اسلام که در آنها جای کمتری برای تفسیر مطالب است بپردازد.

خمینی دو همسر اختیار کرده است. همسر اول او در سال ۱۹۳۳ مصطفی را به دنیا آورد و از همسر دوم که دختر یک مالک ثروتمند از استان گیلان بود پسر دوم به نام احمد و سه دختر را دارد. مصطفی خمینی در سال گذشته در عراق به دلایل طبیعی فوت کرد. خمینی با همسر دومش در پاریس زندگی می‌کند و همسر اول او مدتی قبل درگذشت.<sup>۱</sup>

می‌گویند که خمینی در سال ۱۹۴۴ به یک کتاب کمک کرده که در آن حکومت پادشاهی را محکوم کرده است. ولی او در مقابل این اتهام توانست به هستی خود ادامه دهد و او مسئول دانشجویان در قم گردید که در آنجا در بین طلاب جوان از یک محبوبیت بزرگی برخوردار است. دانشجویان مسن در مورد استاد آتشی مزاج که تحت عناوین سخت‌گیر، دلیر و مبارز و جنگجو شهرت داشت احساس اضطراب و نگرانی می‌کردند.

نفوذ و تفوق خمینی از سال ۱۹۶۳ شروع گردید. زمانی که ایران توسط تظاهرات مذهبیون که به وسیله روحانیون مسلمان رهبری می‌شد پاره شده بود و آنها با انقلاب سفید شاه خشمگین و توهین شده بودند. این برنامه به امروزی در آوردن (مدرسه کردن) باعث خشم طلاب شد و در یک قسمت به خاطر اصلاحات ارضی بود که طبق آن اکثر اراضی روحانیون را که از لحاظ مالکیت زمین مقام دوم را در کشور داشتند [!!] مصادره می‌گردد.

بالاترین مقامی که یک طلبه می‌تواند دارا باشد آیت‌الله است که به معنی «انعکاس الله» می‌باشد. امروز در دنیای تشیع در حدود ۱۲۰۰ آیت‌الله وجود دارد و از میان آنها ۶ نفر لقب آیت‌الله عظمی را دارند. این عناوین به وسیله طبقه‌بندی مذهبی اعطا نمی‌شود بلکه به وسیله اخذ رأی زبانی مردم که تمایل به جلب شدن به یک مرکز توجه به رهبر مذهبی که بیش از همه مورد تحسین است داده می‌شود.

از آیت‌الله‌های عظمی در زمان شورش مذهبی در سال ۱۹۶۳ فقط آیت‌الله خمینی بود که به

۱. امام تنها یک همسر داشتند. برخی دیگر از گزارش‌هایی که در این مقاله آمده است دور از واقعیت است و از بی‌اطلاعی نویسنده نسبت به سرگذشت امام و جامعه روحانیت نشان دارد.

طور ثابت قدم خلع ید شاه را درخواست می‌کرد و موقعی که بیش از ۲۰۰ مسلمان در خیابان‌ها کشته شدند با سازش مخالفت ورزید. برای تلافی این مقاومت و پایداری او شاه خمینی را اول به ترکیه و بعد به عراق تبعید کرده بود. دولت عراق در دو ماه قبل او را اخراج کرده و او به فرانسه رفت.

در مدت ۱۵ سال تبعید خمینی ثابت‌قدمی و پایداری‌اش را در مقابل (از بین بردن) حکومت پادشاهی عوض نکرده است در حالی که در ایران ۵ آیت‌الله‌های عظمای دیگر بیشتر مخالفت خود را به طور پوشیده بیان کرده‌اند.

مهدی بازرگان یکی از حامیان خمینی که رهبری جنبش نهضت آزادی اسلامی را به عهده دارد اظهارات داشت که در سال ۱۹۶۳ دیگران رهبران روحانی عقب نشینی کردند و آیت‌الله خمینی به مبارزه ادامه داد و به این وسیله پیروزی حمایت از طلاب و اکثریت مردم را به دست آورد. زمانی که رژیم خمینی را تبعید کرد آنها شهیدی از او ساختند و به او نیرو دادند تا جنبش را بر پا دارد.

خمینی در تبعید هیچ‌گاه از محکوم کردن شاه دست نکشید و به این ترتیب مورد تحسین جوانان و اعضای اصلاحات ارضی (رادیکال‌ها) مخالف قرار گرفت.

روحانیون شیعه برای تأمین معاش و حمایت مدارس مختلفشان و سازمان‌های خیریه کاملاً به کمک‌های اعطایی پیروان متکی هستند. بنابراین آنها سریعاً حالت عمومی مردم را احساس می‌کنند و آنها را در مساجد بیان می‌کنند. اما در تبعید خمینی رژیم را با چنان رک‌گویی و صداقت محکوم می‌کرد که هیچ روحانی در داخل ایران نمی‌توانست خودش را به مخاطره بیندازد.

دولت سعی کرد تا حمایت و نفوذ او را از میان مردم از بین ببرد. به وسیله نفوذ مخفی در انتشار یک مقاله در یکی از روزنامه‌های اصلی ایران دینداری و پرهیزگاری او را مورد سؤال قرار داد. مقاله این طور پیشنهاد می‌کرد که او با کمونیست‌ها رابطه دارد و حتی اینکه اصل و نسب او ایرانی خالص نبود. بلکه قسمتی از آن هندی بوده است. در سال ۱۸۶۰ و به بعد جد

خمینی به هندوستان رفت و این طور می‌گویند که او برای مدتی پاسپورت بریتانیایی داشته [!!] ولی او ایرانی الاصل بوده است.

نتیجه آن مقاله یک اشتباه بسیار عظیم بود. یک نتیجه مستقیم آن انفجار تظاهرات پراکنده در بعضی از شهرها بیشتر در شهرهای مذهبی محافظه کارانه ایران بود که به مرگ تعداد زیادی منتهی شد. بعد از هر شورش و سوگواری در چهل کشته شدگان، شورش‌های جدید دیگری برای همدردی آغاز گردید.

هر دو شاه و مشاورین غربی او اشتباه بزرگی کردند که قدرت مخالفین به رهبری خمینی را دست کم گرفتند. زمانی که معلوم شد که حکومت پادشاهی در خطر است شاه مأمورین سیاسی به پاریس فرستاد تا سعی کنند با خمینی به یک سازش برسند. ولی موقعی که خمینی وسعت حمایتش را در داخل ایران مشاهده نمود، هیچ‌گونه معامله‌ای را قبول نکرد.

حالا که پیروانش برای سرنگونی حکومت پادشاهی خون‌هایشان را فدا می‌کنند، تعداد زیادی از مخالفینی که بر حسب ظاهر حامی خمینی هستند به طور خصوصی راجع به این موضوع نگران هستند که اگر آیت‌الله موفق شود شاه را خارج کند چه ممکن است اتفاق افتد. والسلام





## قتل عام صدها نفر به وسیله ارتش شاه

نشریه سانفرانسیسکو کریکل  
ترجمه: بنیاد تاریخ پژوهی ایران معاصر

**اشاره** این مقاله که در اول ژانویه سال ۱۹۷۹ / دی ماه ۱۳۵۷ به چاپ رسید به کشتار صدها نفر از مردم مسلمان ایران به وسیله ارتش شاه و مأموران گارد شاهنشاهی و پلیس مخفی شاه (ساواک) اشاره کرده است.

تهدید ارتش به کودتا، فرار امریکاییان از ایران، تظاهرات شهرهای قم، کرمانشاه و شیراز، ابهام در بقای رژیم سلطنتی در ایران و مخالفت مردم با نخست‌وزیری بختیار از جمله مباحث این مقاله می‌باشد.

**ترویس** گزارش داده شده است که صدها نفر به وسیله ارتش ایران قتل عام شده‌اند به خاطر کشته شدن ارتش افسران انتقام گرفتند.



تهران - شاهدان و رهبران مخالف اعلام کردند که سربازان سلطنتی شاه برای انتقام گرفتن از کشتن ۷ نفر از افسران ارتش و پلیس توسط مردم، صدها نفر را کشتند. شاهدان ماجرا گفتند: سه نفر از این افسران متعلق به بخش ساواک (پلیس مخفی) بودند که در دادگاه مردم محاکمه و سپس اعدام گردیدند. یک نفر دیگر ژنرال ارتشی بود که در زد و خورد کشته شد. هنوز ماندن شاه اسرار آمیز است و یکی از خبرنگاران رسمی گزارش داد که شاه تصمیم دارد ایران را «در یک زمان مناسب» ترک کند. ولی یکی از مقامات نزدیک به شاه این گزارش را تکذیب کرده و گفت او به هیچ دلیلی ایران را ترک نخواهد کرد و سلطنت را هم واگذار نمی‌کند. سفارت امریکا در تهران صلاح دید که خانواده‌های امریکایی ایران را ترک کنند ولی هزاران نفر امریکایی و کانادایی و اروپایی غربی بر اثر اعتصاب کارکنان هواپیمایی نتوانستند ایران را ترک کنند.

ارتش تانک‌ها و افراد مسلح خود را به خیابان‌ها فرستاد تا کنترل شهر را به خاطر زد و

خوردهای شدید در شهر مقدس مشهد به

دست گیرند. شاهدان ماجرا گفتند که ارتش به روی بیمارستان‌ها آتش گشود و تعدادی از تظاهرات‌کنندگان بر اثر رفتن تانک بر روی آنها در مقابل اداره استاندار نظامی له شدند.

دکترهای سه بیمارستان اصلی مشهد گفتند که بخش‌ها و راهروهای بیمارستان‌ها از افراد زخمی پر شده بود و توضیح دادند که بعد از به روی کار آمدن حکومت نظامی در تاریخ ۸ سپتامبر این شدیدترین نوع تیراندازی ارتش بوده است.

گزارش‌های دیگر حاکی از تیراندازی شدید



در شهرهای قم و کرمانشاه و شیراز و چند شهر سواحل دریای خزر نزدیک مرزهای شوروی وجود داشته است. شاهدان گفتند حداقل ۶۰ نفر در کرمانشاه واقع در غرب ایران به وسیله ارتش کشته شدند ولی این گزارش از طرف مقامات رسمی تأیید نشده است.

همچنین اغتشاشات دیگری در شهرهای دیگر ایران وجود داشت و شاهدان گفتند تعداد ۶ نفر نزدیک بیمارستان پهلوی در تهران کشته شدند، جریان از این قرار بود که مردم مراسم تشییع جنازه دو نفر دکتری که در روز شنبه برای کمک به تظاهرات‌کنندگان زخمی، توسط ارتش کشته می‌شوند و شعار مردم در تشییع جنازه «مرگ بر شاه» و یانکی برو خانه قبل از اینکه ما بیرون بیندازیم لاشه کثیفتان را.

تعداد زیادی از تظاهرات‌کنندگان به شاپور بختیار حمله کردند و شعار می‌دادند بختیار هست یکی از نوکران امپریالیسم امریکا. بختیار کسی است که توسط جبهه ملی نیز رد و اخراج شده است.





### انتقال شکنجه از زندان به خیابان‌ها

نویسنده: دان. الف. شانخه  
ترجمه: بنیاد تاریخ پژوهی ایران معاصر

#### اشاره

این مقاله که در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۷۸ / دی ماه ۱۳۵۷ در لس آنجلس تایمز به چاپ رسید به حجم وسیع زندانیان سیاسی در رژیم پهلوی و اقرار رژیم شاه به شکنجه‌های سیستماتیک ساواک در زندان‌ها می‌پردازد. نقض حقوق بشر، شکنجه زندانیان و کشتار مخالفان رژیم در خیابان‌ها از جمله مباحثی است که نویسنده تلاش می‌کند از زبان شاهدان عینی علی‌الخصوص خارجیان مقیم ایران، غرب را متوجه عدم محبوبیت و مشروعیت نظام شاهنشاهی در ایران سازد.

#### ترجمه

طرفداران حقوق بشر می‌گویند بی‌رحمی و سبعبیت در ایران بدتر می‌شود. تهران، ایران - در سال گذشته محمدرضا شاه پهلوی ۳۴۰۰ زندانی سیاسی را آزاد کرد و

دولت خودش ادعا دارد که به شکنجه سیستماتیک در زندان بدنام ساواک، پلیس مخفی‌اش، پایان داده است تنها در ماه گذشته نزدیک به ۵۰۰ نفر زندانی متهم به جرایم سیاسی آزاد شدند و دولت نظامی شاه اعلام کرد که پرونده ۲۰۰ نفر آخر که هنوز در حبس هستند تحت بررسی قرار دارد. علاوه بر این وزارت دادگستری اعلام کرد سابقه دستگیری بسیاری از زندانیانی که قبلاً آزاد شده‌اند برای حفظ کامل حقوق مدنی آنان نابود شد.

در جهان خارج چنین به نظر می‌رسد که ایران - کشوری که بنا بر قضاوت سازمان بین‌المللی عفو عمومی سابقه حقوق بشرش تا یک سال قبل بدترین بوده - مسیرش را عوض کرده است. ولی بنا بر گفته طرفداران حقوق بشر در پایتخت ایران، سابقه و پرونده وحشی‌گری و بی‌رحمی، بازداشت‌های آنی بدون مجوز قانونی و بدون اتهام و ارباب و تروریسمی که دستگاه حکومت بانی و حامی آن است از هر زمانی بدتر شده است. آنان می‌گویند تنها یک چیز عوض شده است.

محمد اقبال حقوقدانی که کمیته‌اش برای دفاع از آزادی و حقوق بشر در ایران همگام با دیگر سازمان‌های حقوق بشر هفته‌های اخیر را صرف بازرسی موردهای گزارش داده شده از وحشیگری و بی‌رحمی دستگاه حکومت و یا موارد اغماض شده از طرف دستگاه کرده است چنین ادعا کرد: «شکنجه از زندان‌ها به خیابان‌ها منتقل شده است.»

برای مثال شب کریسمس که یکی از روزهای یکشنبه عادی کار در ایران است، نیروهای امنیتی دولت بنا بر گزارش، به یک مدرسه هجوم آورده محصّلین ۷ تا ۱۴ ساله این مدرسه و معلمینشان را مورد ارباب و تهدید قرار می‌دهند و پسرانی را که سنشان از ۱۲ سال بیشتر بوده، به خاطر دادن شعارهای ضد شاهی در روز گذشته دستگیر می‌کنند.

بنا بر گفته منابع حقوق بشر که در این مورد تحقیق می‌کردند، پدر یکی از محصلین فردای آن روز گفت که پسر ۱۴ ساله‌اش توسط یکی از افراد امنیتی از پشت بام مدرسه به زمین پرتاب شد و کشته شد. مبهرن ساختن صحت یا سقم این خبر غیر ممکن است. اما این حقیقت که این خبرها به طور وسیعی در سراسر تهران بر سر زبان‌هاست مبین سطح وحشت موجود

در خیابان هاست.

بنا بر گفته متین‌دفتری معاون ریاست کانون وکلای ایران و یکی از فعالین مشهور حقوق بشر، روش قدیمی بازداشت‌های مبنی بر انتخاب قبلی و شکنجه‌های ساواک به ایجاد وحشت و ارباب و تهدید مبدل شده است. دفتری در یک مصاحبه گفت که ارتش، پلیس و دیگر سازمان‌ها با صحنه‌گذاری مسلم ساواک و دولت نظامی در این‌گونه عملیات اربابی وارد شده‌اند.

دفتری گفت که در موارد فراوان همچون ربودن و چندین بار تجاوز به یک زن ۲۵ ساله آبیستن خانه‌دار و طرفدار حقوق بشر، ارباب و تهدید از جانب عمال غیر نظامی پاسدار و با همکاری سازمان‌های مختلف حکومت صورت گرفته است.

دفتری که در نظر دیپلمات‌های غربی اینجا از موثق‌ترین گواهان تخلفات حقوق بشر است اظهار داشت که آن زن جوان در خانه‌اش در شمال شرق تهران توسط ۶ مرد مسلح دستگیر و با چشمان بسته شده به خانه‌ای در منتهی‌الیه غربی شهر برده می‌شود. پس از آن که وی برای چندین بار مورد تجاوز قرار می‌گیرد، ربایندگانش علامت‌های ضرب‌ربر عمیقی پشت هر دو دستش می‌برند و به او اخطار می‌کنند که دیگر با طرفداران حقوق بشر سر و کاری نداشته باشد. سپس آنها وی را طناب‌پیچ کرده و روی صندلی عقب یک ماشین می‌اندازند و او را به شمال شرقی تهران بر می‌گردانند. آنجا سرعت ماشین را کم کرده و او را به خیابان پرت می‌کنند.

معاینات یک پزشک تجاوز را تأیید می‌کند و همچنین این حقیقت معجزه‌وار را که به چنین سه ماهه‌اش آسیبی وارد نیامده است.

یکی از مواردی که عادی‌تر است توسط یک خانواده انگلیسی نقل شد، خدمتکار ۵۰ ساله‌شان یک شب با پسرش حدود ساعت ۸ از منزل خارج می‌شود تا یک بشکه را برای مصرف پخت و پز و بخاری از نفت پر کند. گرچه هنوز یک ساعت به منع رفت و آمد مانده بوده، هر دو توسط سربازان ارتش بازداشت شده و به پادگان نظامی عباس آباد حمل می‌شوند. در آنجا آنان را متهم به آتش کشیدن ساختمان‌ها می‌کنند.

خانواده انگلیسی گفت که آن زن و پسرش را شدیداً کتک می‌زنند و سپس آن دو را در دو محوطه جدا از هم در پادگان که بنا بر گزارش به یک زندان موقتی تبدیل شده، حبس می‌کنند. زن خدمتکار برای مدت دو هفته محبوس بوده و پسرش هنوز آزاد نشده است. پس از بازگشتش زن خدمتکار به خانواده انگلیسی که او را استخدام کرده بود می‌گوید که هزاران نفر در آن پادگان تحت شرایط غیر انسانی بازداشت هستند و جرم اکثر آنها نقض مقررات منع رفت و آمده بوده است.



یک زندانی آزاد شده که همچون بسیاری دیگر از ترس انتقام نمی‌خواست اسمش فاش شود، گفت که مأمورین ساواک در زندان اوین در شمال شرقی تهران چندین نفر از زندانیان را قبل از عفو عمومی به قتل رساندند. زیرا بدن آنها به واسطه شکنجه چنان از هم پاشیده بود که حکومت نمی‌خواست که آنها به عنوان سندنده وحشی‌گری‌هایش دیده شوند.

خبرهای وحشی‌گری و ارباب و شکنجه‌های مداوم توسط ساواک تقریباً چیز پیش پا

افتاده‌ای شده است ولی وحشت‌آورتر گزارشات حاکی از بی‌اعتنایی حکومت از جانب سربازان، پلیس و دیگران نسبت به حقوق بشر است. من جمله چندین گزارش آدم‌کشی خون‌سردانه. موارد فردی همچون این مورد در سیلی از آمار کشته شدگان و مجروحین که نتیجه زد و خوردهای مداوم بین تظاهرات‌کنندگان مذهبی که اکثراً غیر مسلح بودند و خواستار برکناری شاه و نیروهای‌های نظامی من جمله ارتش و ساواک و گروه‌های ضربتی بودند، گم هستند. هیچ کس به یقین نمی‌داند که چند نفر کشته شده‌اند. اما تعداد کشته‌شدگان از اوایل نوامبر در چندین دو جین برخورد در سراسر کشور بنا بر شمارش محافظه‌کارترین افراد به ۵۰۰ نفر نزدیک است. تقریباً ۲۰۰۰ نفر از ژانویه سال گذشته تاکنون کشته شده و هزاران نفر دیگر زخمی شده‌اند. اکثر این قربانیان در حالی که در صف جلوی تظاهرات، که به طور مکرر در تهران و دیگر شهرهای استان‌ها برگزار شد قرار داشته و مورد اصابت گلوله قرار گرفتند. به هر حال خبردهندگان و بازرسان حقوق بشر تأیید کرده‌اند که بسیاری از کشتارها و ناپیدی‌ها پس از تظاهرات صورت گرفت. آنان می‌گویند که سربازان و عمال حکومت مجروح‌شدگان را تا خانه‌ها و بیمارستان‌ها برای اعمال کیفر و مجازات تعقیب می‌کرده‌اند.



## Unrest keeps Iran on edge

Associated Press

TEHRAN, Iran — Opponents of Shah Mohammad Reza Pahlavi pressured Iran's military government yesterday with a wave of wildcat strikes aimed at disrupting the oil-rich nation's battered economy and keeping the country on edge.

The walkouts, the latest in a string of stoppages and slowdowns, came amid fears that the labor troubles will soon spread into the streets during the Muslim holy period that starts later this week.

Traditionally, the religious whip themselves and mourn for the martyred grandson of the prophet Mohammed, Imam Khomeini. The emotion-charged period, which begins Dec. 2, reaches a peak Dec. 11.

Conservative Muslim leaders have led the campaign to remove the shah, who has pressed ahead with a modernization drive and reforms that conservative religious leaders find untenable. They have been joined by the shah's political opposition, which finds fault with the shah's authoritarian rule.

Troops took over Tehran's oil refinery west of the city after workers continued a slowdown for the third straight day, causing some shortages. The refinery which supplies most of the capital's gasoline and fuel oil.

The state-run National Iranian Oil Co. said it has fuel supplies on hand for three to five months, but admitted its distribution network has been badly disrupted by the strikes and slowdowns.

The official Pars news agency reported workers at the state-run Arvan Shabpour Chemical Co. in southern Iran also struck, demanding political reforms.

Employees at Iran Air, the national carrier, staged a three-hour walkout to protest the arrest of leaders of an eight-day shutdown earlier this month that grounded the airline.

The protesters warned the government they will stage a full-scale strike if the detainees are not released by midnight yesterday.

## آشوب ایران را به تنگنا می‌برد

خبرگزاری آسوشیتد پرس

ترجمه: بنیاد تاریخ پژوهی ایران معاصر

اشاره

این مقاله که در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۸ / آذر ۱۳۵۷ به چاپ رسید. به مبارزات ملت ایران برای فلج کردن نظام پهلوی از طریق گسترش اعتصابات و همچنین تأثیر ماه محرم و عزاداری امام حسین (ع) در باروری حرکت‌های انقلابی مردم ایران اشاره می‌کند.

توجه

تهران - ایران، مخالفان محمدرضا شاه پهلوی با مواجهی از اعتصابات بی‌اساس به قصد در هم شکستن اقتصاد از هم پاشیده ملت غنی از نفت و در تنگنا قرار دادن کشور دیروز بر حکومت نظامی فشار آوردند.

اعتصابات - اخیرا به شکل‌های توقف کردن و کند راه رفتن - باعث این ترس شد که به زودی



اغتشاشات کارگران در سطح خیابان‌ها در مدت ماه مقدس که اواخر این هفته آغاز می‌گردد گسترش خواهد یافت.

رسم است که مذهبیون سینه می‌زنند و برای امام حسین، نوه شهید محمد پیغمبر، سوگواری می‌کنند. زمان هیجان‌آمیز که از دوم دسامبر آغاز می‌گردد در یازدهم دسامبر به اوجش می‌رسد.

رهبران محتاط مذهبی مبارزه را برای بیرون کردن شاه رهبری کرده‌اند. کسی که برای مدرن کردن و اصلاحاتی که رهبران محتاط مذهبی آن را غیر منطقی می‌دانند - و آنها به مخالفان سیاسی شاه پیوسته‌اند - کسانی که قدرت حکومت شاه را غلط می‌دانند.

سربازان پالایشگاه نفت تهران واقع در غرب تهران را پس از سه روز متوالی کم‌کاری کارگران که باعث کمبودهایی شده بود اشغال کردند. این پالایشگاه بیشتر بنزین پایتخت و نفت آن را تهیه می‌کند.

مدیر شرکت ملی نفت ایران گفت که سوخت سه تا پنج ماه را ذخیره دارد اما قبول کرد که شبکه توزیع‌کننده‌اش شدیداً به علت اعتصابات و کم‌کاری‌های صدمه دیده است.

خبرگزاری رسمی پارس گزارش داد که کارگران گرداننده شرکت شیمیایی آوان شاهپور در جنوب ایران دست به اعتصاب زدند و تقاضای اصلاحات سیاسی کرده‌اند.

کارمندان هواپیمایی ایران - حمل و نقل ملی - در یک اعتصاب سه تا چهار ساعته برای اعتراض به دستگیری رهبران‌شان در اعتصاب هشت روزه که خطوط هواپیمایی را در این ماه فلج کرده بود شرکت کردند.

اعتصاب‌کنندگان دولت را تهدید کردند چنانچه آنها تا آخر شب دیروز آزاد نگردند دست به یک اعتصاب همگانی خواهند زد.



## اصفهان کشته‌هایش را می‌شمارد

خبرگزاری آسوشیتد پرس  
ترجمه: بنیاد تاریخ پژوهی ایران معاصر

**اشاره** این مقاله گزارش خبرگزاری آسوشیتد پرس است که در ۱۳ دسامبر ۱۹۷۸ / آذر ماه ۱۳۵۷ در روزنامه کانزاس سیتی تایمز امریکا به چاپ رسیده است. در این مقاله قتل عام صدها نفر از مردم اصفهان توسط ارتش شاهنشاهی از زبان شاهدان عینی، علی‌الخصوص دیپلمات‌های غربی و تأثیر ماه محرم در نضج‌گیری حرکت ملت ایران مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

**ترویس** تهران - ایران، منابع پزشکی در روز سه‌شنبه گفتند که از دوشنبه در اصفهان سربازان ارتش از زمین و هلیکوپترها شلیک کرده و حداقل ۴۰ نفر را کشته و بیش از ۶۰۰ نفر را زخمی کرده‌اند.

منابع اظهار داشتند که ۵ بیمارستان در شهر صنعتی اصفهان در ۲۵۰ مایلی جنوب تهران از غیر نظامی‌هایی که شدیداً زخمی شده بودند با فشردگی پر شده بود.

آنها گزارش دادند که بیش از ۲۰ نفر از این کشته‌ها در روز دوشنبه زمانی که شورش بعد از تظاهرات مذهبی عاشورا (نقطه اوج احساسی مسلمانان شیعه در ماه مقدس محرم) شروع شده بود، کشته شده بودند.

منابع مخالف ادعا می‌کردند که صدها نفر از دشمنان شاه به وسیله تیراندازی ارتش قتل عام شدند. بعضی از آنها به وسیله سیل مسلسل‌ها از هلیکوپترها قتل عام شده بودند.

ولی منوچهر حقان فرماندار شهر این اتهامات را رد کرد. او گزارش‌های کشته‌های بیشتر را سرزنش کرد و گفت که نیروهای ضد دولتی سعی دارند که در شهرهای دیگر شورش را هیجان بخشند.

در یکی از بیمارستان‌های اصلی اصفهان یک پزشک گفت که اطاق‌های چند نفری بیمارستان پر شده بود از مردمی که از زخم گلوله‌ها رنج می‌بردند و یا شدیداً به وسیله سربازان و فاداران و طرفداران محمدرضا شاه پهلوی کتک خورده بودند.

آن پزشک اظهار داشت: «ارتش تهدید می‌کند که برق شهر را قطع خواهد کرد.» «اگر این کار را بکنند این مردم خواهند مرد به خاطر اینکه ما قادر نخواهیم بود آنها را معالجه کنیم و یا در سیستم‌های حمایتی زنده نگهداری کنیم.» شاهدین قضیه گفتند که سربازها روز سه‌شنبه در خیابان‌های اصفهان آواره بودند و مجبور می‌کردند مردم را تا فریاد بزنند «جاوید شاه» (زنده باد شاه) و اگر آنها مخالفت می‌کردند آنها را کتک می‌زدند.

همچنین سربازان پنجره‌های مغازه‌هایی را که عکس آیت‌الله خمینی، رهبر تبعیدی ایرانیان شیعه در پاریس داشتند، خرد می‌کردند. آیت‌الله خمینی با جدیت یک ساله برای سرنگونی شاه مشغول راهنمایی کردن بوده است.

یک دیپلمات غربی در اصفهان که نمی‌خواست نام او فاش شود بعد از ظهر سه‌شنبه به وسیله تلفن گزارش داد: «ارتش دوباره کنترل را در خیابان‌ها به دست آورده است. شلیک

هوایی به صورت پراکنده هنوز ادامه دارد تا مردم را از خیابان‌ها دور کنند. ولی وضعیت خیلی خوب نیست و خیلی ناآرام و تشنج‌آمیز است.

منابع غربی گفتند در حالی که درگیری در خیابان‌ها ادامه دارد چندین هزار امریکایی در اصفهان زندگی می‌کنند که در باغ‌هایشان با محافظان از ترس می‌لرزند. در مورد اینکه امریکایی زخمی شده باشد گزارشی وجود نداشت. اصفهان شهری است با مناظر خیلی جالب که ۶۸۰/۰۰۰ جمعیت دارد، با انواع معماری‌های آن، مناره‌های باستانی و مساجد و قصرهای سلطنتی بزرگ بین ساختمان‌ها قرار دارند. اصفهان دارای تعداد زیادی فروشگاه بافندگی است که پر از قالیچه‌های عالی و قشنگ مشهورند. اصفهان یک بار در قرن هفدهم پایتخت ایران و یکی از مهم‌ترین شهرهای دنیا در نقطه اوج بود ولی در سال ۱۷۲۹ مورد تاخت و تاز افغان‌ها قرار گرفت و سقوط کرد.

سه‌شنبه در تهران، تانک‌ها و ستون‌های سربازان در اطراف ایستاده بودند و مقررات منع عبور و مرور را اجرا می‌کردند و از تظاهرات عمومی جلوگیری می‌کردند. مردم در پیاده حضور داشتند ولی خشونت‌گزارش نشد.

در روز سه‌شنبه زد و خوردهای دیگری در مشهد در شمال شرقی ایران و یزد در جنوب شرقی که ظاهراً مناطق مهم احساسات ضد شاهی هستند گزارش داده شد. اما گزارشی راجع به کشته‌شدگان داده نشد.

منابع صنعت نفت گفتند که عاشورای حسینی تأثیر ۹ روز اعتصاب کارگران نفت را افزایش داد و تولید به ۱/۳ میلیون بشکه در روز در مقام مقایسه با روزانه ۶ میلیون بشکه به طور عادی رسید.

این اعتصاب برای دولت ۶۰ میلیون دلار روزانه ضرر در صادرات دارد. پانزده روز اعتصاب کارگران نفت در ماه گذشته بیش از یک بلیون دلار برای خزانه شاه هزینه داشت.

رهبران مذهبی مسلمان به خاطر برنامه غربی کردن شاه با او می‌جنگند. آنها ادعا می‌کنند که او ارزش‌های باستانی را از بین می‌برد. حرارت و اشتیاق مذهبی با حمایت رهبران سیاسی

چپی‌ها که پایان ۳۷ سال قانون آمرانه شاه را می‌خواهند، افزایش یافته است.

واقعه دیگری که در سه‌شنبه رخ داد این بود که حسین پادشاه اردن دوشنبه برای سه روز دیدار وارد پاریس شد یک حدس وجود داشت که او با خمینی ملاقات خواهد کرد تا سعی کند میانجی شده و به بحران ایران خاتمه دهد ولی حسین به خبرنگاران گفت که خمینی را ملاقات نخواهد کرد. دکتر ابراهیم یزدی یک محرم اسرار خمینی به روزنامه‌نگاران گفت خمینی تحت یک شرط با حسین ملاقات خواهد کرد و آن زمانی است که حسین پادشاه اردن، خبر تسلیم شدن شاه را بیاورد.

والسلام





## ملحق شدن سربازان به تظاهرات کنندگان

نویسنده: ساجد رضوی

ترجمه: بنیاد تاریخ پژوهی ایران معاصر

### اشاره

این مقاله در ۱۹ دسامبر ۱۹۷۸ / آذر ماه ۱۳۵۷ در روزنامه بوستون گلوب امریکا به چاپ رسید. در این مقاله حماسه پیوستن سربازان نیروهای نظامی و انتظامی به مردم، مخالفت با شلیک به طرف مردم و نحوه اضمحلال ارتش پوشالی رژیم شاهنشاهی در مقابل اراده مردمی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

پیوستن بخش اعظمی از بدنه مسلمان ارتش به ملت ایران فصلی از حماسه پرشکوه انقلاب اسلامی و تأثیر این حرکت بزرگ در پیروزی انقلاب اسلامی است که حتی از چشم خبرنگاران و تحلیل‌گران خارجی نیز پنهان نمانده است.

تهران - ایران

دیروز تعدادی از سربازان اسلحه‌هایشان را کنار گذاشتند به تظاهرات‌کنندگان در غرب ایران شهر تبریز که در اعتصاب بود پیوستند و به راهپیمایی پرداختند. تظاهرات‌کنندگان دوازده تانک را در کنترل خود داشتند و سربازان را می‌بوسیدند و آنها را به شانه‌هایشان نهاده فریاد می‌زدند «سربازان برادران ما، ما شلیک نخواهیم»

سربازان در یک برخورد مختصر اسلحه‌هایشان را کنار گذاشته گفتند: «ما شلیک نخواهیم کرد.»

تظاهرات بعد از شلیک برای متفرق کردن یک گروه چند صد نفری که می‌خواستند خارج از منطقه بازار که سد شده بود راهپیمایی کنند که به زخمی شدن حداقل دو نفر منجر شد آغاز گردید - بنا به نقل قول منابع. یک روحانی غیر شخصی عبايش (لباس مخصوص) را درآورده و به سربازان گفت: «قبل از اینکه به مردم شلیک کنید باید اول به من شلیک کنید.» «این طور چندین تظاهرات‌کننده سینه‌های لختشان را به طرف اسلحه سربازان گرفتند. در این لحظه چند سرباز اسلحه‌هایشان را کنار گذاشتند و گفتند: «ما شلیک نخواهیم کرد.» سپس آنها به تظاهرات‌کنندگان همراه با شعارهای مذهبی پیوستند.

به سربازان ملحق شده لباس غیر نظامی داده شده که آنها پوشیدند. سپس تظاهرات‌کنندگان همراه با سربازان ملحق شده در مدت کوتاهی سوار بر تانک‌ها شدند. گروهی از سربازان به پایگاهشان در تبریز رفتند و گروهی دیگر با تظاهرات‌کنندگان ماندند.

نظر دولت در این مورد خواسته شد، اتفاق چنین حادثه‌ای را تکذیب کرد.

این حادثه زمانی اتفاق افتاد که مراکز تبریز، تهران و چندین شهرستان‌های دیگر بسته بودند و این به خاطر روز عزا که به درخواست آیت‌الله خمینی برای بزرگداشت کشته‌شدگان در اغتشاشات به طرفداری محمدرضا شاه پهلوی صورت گرفته بود.

سربازان مسلح در خودروها در تهران به گشت پرداخته و در مناطق حساس پایتخت موضع

گرفتند اما به تجهیزات سنگین در تهران که اغلب در هفته گذشته در تهران دیده می‌شد چیزی اضافه نشده بود در حالی که اعتصاب از روز قبل شروع شده بود. تمام مغازه‌ها و مراکز تجاری به جز مغازه‌های خواربار فروشی کوچک، نانوائی‌ها و مراکز توزیع سوخت بسته بودند. یک سخنگوی جبهه ملی - متحد اصلی خمینی در میان احزاب سیاسی - گفت: «تظاهرات خیابانی در نظر گرفته نشده بود.»







## شاه در جستجوی خرید ۲۰ جریب زمین در لس آنجلس

نویسنده: رابرت لیندسی  
ترجمه: بنیاد تاریخ پژوهی ایران معاصر

### اشاره

این مقاله که در ۲۶ دسامبر ۱۹۷۸ / ۵ دی ماه ۱۳۵۷ در روزنامه هرالد تریبون به چاپ رسید به یکی از مباحثی می‌پردازد که در طول دوران حکومت پهلوی به شیوه‌های متفاوت یکی از آفت‌های نظام ضد مردمی شاه بوده است.

انتقال سرمایه ایران به خارج از کشور و معامله شخصی با پول ملت ایران یکی از شاخصه‌های نظام استبدادی در تاریخ معاصر است. خانواده سلطنتی ایران در طول تاریخ معاصر علی‌رغم فقری که بر ملت ایران تحمیل کردند به انحای مختلف با منابع ملی و درآمدهای دولتی به خرید و فروش املاک و انباشت سرمایه در خارج از ایران و سرمایه‌گذاری‌های خصوصی در مؤسسات مالی و اعتباری غرب اقدام کردند. نویسنده این مقاله اشاره می‌کند که چگونه خانواده پهلوی شرایط را برای یک زندگی مرفه با پول‌های ملت ایران در خارج فراهم کردند و زمانی که مردم ایران در زیر تانک‌ها و گلوله‌های مزدوران رژیم در

حال پر شدن بودند واسطه‌ها و دلال‌های این خانواده فاسد در غرب به خرید و فروش املاک می‌پرداختند.

همزمان با قتل عام وحشیانه خلق ایران شاه در جستجوی خرید ۲۰ جریب زمین در لس‌آنجلس.

بین مؤسسات معاملات ملکی لس‌آنجلس گفته می‌شود که شاه ایران قصد خریداری مقدار زیادی زمین در ناحیه بل ار در لس‌آنجلس را دارد. یکی از دلال‌های زمین در بیورلی هیلز اذعان کرد که برای خانواده سلطنتی ایران مستغلات و زمین خریداری نموده اما توضیح بیشتری نداد. طبق اخبار واصله افراد فامیل شاه در صدد خریداری و تجمیع مقدار زیادی زمین در منطقه بل ار واقع در تپه‌های غرب لس‌آنجلس می‌باشند که این منطقه مورد توجه ستاره‌های سینما و ثروتمندان و سوداگران موفق! می‌باشد. گفته می‌شود که این خریده‌ها برای ساختن مجموعه چندین قصر در زمینی به مساحت ۲۰ جریب در نظر گرفته شده است.

یک دلال دیگر زمین گفت که خریداری در نظر دارد یک قصر رویایی با سیستم‌های ایمنی پیشرفته بسازد. یکی از مسئولان اداره شهرسازی بیورلی هیلز گفته است تا کنون اطلاعاتی در مورد این طرح در اختیارش نگذارد نشده است و در صورت اجرای چنین طرحی چند خیابان می‌بایستی مسدود شوند که باید مورد موافقت مسئولان شهرسازی قرار گیرد.

اما همین مسئولان اذعان دارند که مشغول بررسی طرح مشابه دیگری برای شمس یکی از خواهران شاه که زمینش را ۱/۹ میلیون دلار خریداری نموده است می‌باشند. طبق نقشه ارائه شده به شهرداری بیورلی هیلز در زمین مزبور که در نزدیکی هتل بیورلی هیلز واقع شده است، دو کاخ ساخته خواهد شد. مساحت این دو کاخ برابر با ۱۹۶۰۰ فوت مربع زیربنا و قیمت ساختمان آن ۸۰۰ هزار دلار برآورد شده است، ولی مقامات مسئول شهرسازی گفته‌اند که رقم فوق معرف قیمت تمام شده ساختمان نمی‌باشد. احتمال اینکه محمدرضا شاه پهلوی بخواهد پس از برکنار شدن از سلطنت در یکی از این کاخ‌ها زندگی کند شایعه بسیار قوی می‌باشد.

آژانس‌های معتبر بیورلی هیلز گفته‌اند که هفته گذشته نماینده یک خریدار ناشناس پیشنهادی برای خرید یک مجتمع از خانه‌های لوکس با قیمت‌های گران بیش از قیمت‌های روز ارائه نموده است، ولی هیچ کدام از آژانس‌های معاملات زمین این معامله را به طور قطع تأیید ننموده‌اند، زیرا که در موقع دقیق زمین با یکدیگر توافق ندارند. آقای مایک سیلور من، یک واسطه خرید و فروش خانواده و زمین در بیورلی هیلز اظهار داشت که در سال گذشته زمینی در مجاورت هتل بیورلی هیلز، برای خواهر شاه خریداری نموده است و خریدهای دیگری هم برای خانواده شاه انجام شده که قیمت‌های آن مبالغ گزافی را در بر دارند ولی از دادن اطلاعات بیشتری در این موارد و همچنین در خصوص معامله جدید شاه خودداری کرد و اظهار داشت که چون من با چند نفر از اعضای خاندان سلطنت رابطه معاملاتی دارم از من خواسته شده است که اسرار معاملات را حفظ نمایم و بنا براین من در موقعیت خاصی قرار گرفته‌ام و نمی‌توانم به این سوالات پاسخ دهم.

